

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



# ٿڌ پېر ۾ ۾

نگاندگی ولی فقیہ در ساہ  
پ

دفتر تائید شرعی ضوابط و برنامہ ها

نام نشریه:	تدبیر ماه
تنظیم و نشر:	نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نوبت چاپ:	دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها
شماره:	۹۹
تاریخ چاپ:	(اسفند ۹۴ و فروردین ۹۵)
شمارگان:	۱۳۹۵
چاپ:	۳۰۰۰ نسخه
مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه	

# فهرست

موضع	صفحته
مقدمه	۷
حدیث	۹
تادابیر تربیتی و معنوی	۱۳
تادابیر فرهنگی و هنری	۳۷
تادابیر مدیریتی	۴۵
تادابیر طرح و برنامه‌ای	۴۸
تادابیر سیاسی و اجتماعی	۸۳
تادابیر اقتصادی و مالی	۱۶۳
تادابیر بهداشت و سلامت	۱۷۹
تادابیر برون مرزی	۱۸۳
پی‌نوشت‌ها	۱۹۲

## معاونت تادابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۷۱۲ و ۳۳۹۳۹

پایگاه داخلی: [www.pasdar.org](http://www.pasdar.org)



## بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«همه برادران و خواهران عزیز و خود را به تقوای  
اللهی، پرهیزگاری و مراقبت از خویشتن دعوت میکنم.  
هم ماه مبارک رجب است و ایام البیضی متبرک این  
ماه، و هم روز بزرگ ولادت امیرالمؤمنین و امام  
المتقین است. رجب، ماه صفا دادن به دل و طراوت  
بخشیدن به جان است؛ ماه توسل، خشوع، ذکر، توبه،  
خودسازی و پرداختن به زنگارهای دل و زدودن  
سیاهیها و تلخیها از جان است. دعای ماه رجب،  
اعتكاف ماه رجب، نماز ماه رجب، همه وسیله‌یی  
است برای این‌که ما بتوانیم دل و جان خود را صفا و  
طراوتی ببخشیم؛ سیاهیها، تاریکیها و گرفتاریها  
را از خود دور کنیم و خودمان را روشن سازیم.<sup>۱</sup>  
باتبریک ولادت مسعود امیر مومنان امام  
علی علیت‌الله، مبعث حضرت پیامبر اعظم ﷺ، میلاد  
سالار شهیدان امام حسین علیت‌الله، میلاد حضرت

ابوالفضل العباس علیه السلام ، میلاد امام سجاد علیه السلام و تسليت  
رحلت حضرت زینب علیها السلام و شهادت امام موسی  
کاظم علیه السلام ، فرا رسیدن سالگرد شهادت آیت الله  
استاد شهید مطهری علیه السلام و روز عقیدتی در سپاه را  
گرامی داشته و نودونهمین شماره نشریه تدبیر ماه  
شامل گزیده تدبیر و رهنمودهای حضرت  
امام خامنه ای علیه السلام در اسفند ۹۴ و فروردین سال  
جاری را به شما رهپویان راه نور و طهارت و  
پاکی ها تقدیم می گردد.

امید است در همه ایام سال، به ویژه در این  
روزهای پر برکت و سراسر معنویت، ره توشه مورد  
نیاز برای دفاع از انقلاب اسلامی و مقابله با ترفندها  
و تحرکات استکبار جهانی را از خرمن پر فیض و  
چشمہ زلال ولایت برداریم . ان شاء الله .

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

\* \* \*

#### پی نوشته ها

1. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه هی تهران ۸/۵/۰۵/۸۴



## حَدِيث

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالوَرَاغُ

عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ.<sup>۱</sup>

الشافعی ص ۵۳۶

توضیح مقام معظم رهبری بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ:

زهدی که این همه درباره اش روایت وارد شده است، و به آن تحریص شده است، اولش این است که آرزوهای دور و دراز و افسانه وار را از ذهن خودت بیرون کنی. کوتاه کنی این آرزو هارا. نه اینکه هیچ آرزو انسان نداشته باشد. گاهی انسان در ذهن خود یک خواسته‌ای و یک آرزویی را آنچنان پرورش می‌دهد که در ذهن

---

۱- امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

زهد در دنیا عبارت است از کوتاه کردن آرزوها و سپاس‌گزاردن در برابر همه نعمت‌ها و پرهیز کردن از تمام آنچه خداوند حرام کرده است.

تحکیم می‌شود و تبدیل می‌شود به یک هدف و یک آرمان قطعی. و انسان برای رسیدن به آن، هر خلاف و هر کار زشتی را مرتکب می‌شود.

چند سال قبل از این در آمریکا یک جاسوس عالی رتبهٔ شوروی سابق را دستگیر کردند. سال‌ها در دستگاه‌های بالای آمریکا مشغول بود و فرد عالی رتبه‌ای بود، اما خیانت می‌کرد. برای دشمن آمریکا که آن روز شوروی بود، جاسوسی می‌کرد. او را گرفتند. در بازجویی از او پرسیدند: تو که آمریکایی هستی. چه داعی داشتی که برخلاف مصالح کشور و میهن خودت عمل کردی؟ گفت: من آرزوی یک خانه آنچنانی، یک ویلا داشتم. مثلاً یک خانه سیصد متری. یک پول فوق العاده لازم داشتم. این پول هم از این راه حاصل می‌شد. آرزوی دور و دراز یعنی این آرزوی یکخانه آنچنانی در دل او تبدیل می‌شود به یک هدف. که باید انسان خودش را بکشد برای اینکه به این هدف برسد. و فرق نمی‌کند از چه راهی برسد: از راه حرام باشد، حلال باشد یا خیانت باشد. این است که در روایات متعددی فرمودند: «أَخْوَفُ مَا أَخَافَ عَلَى أُمَّتِي» یکی طول أمل

است. که انسان همین طور آرزوها را در ذهن خودش بپروراند. تبدیل بکند به یک نقطه ثابت در صفحه وجود خودش، که باید همه تلاش‌ها را کرد برای اینکه به آن رسید. معلوم است در چنین حالتی، انسان حق را ناحق می‌کند، دروغ می‌گوید، خیانت می‌کند، گناه می‌کند برای اینکه به آن برسد. این شده هدف. زهد این است که انسان این آرزو و خواسته قلبی را به این شکل کنار بگذارد و دنبالش نباشد. اگر گیرش آمد، بسیار خوب، شکر خدا را بکند. اما این طور نباشد که یک آرزویی باشد که برای رسیدن به آن، هیچ مرز و حدی را نشنناسد.

یکی دیگر از عوامل مشکله زهد عبارت است از شکر هر نعمتی. هرچه خدا به شما داده، این را شکر کنید. خود شکر نعمت، ناگزیر توجه به نعمت را به همراه دارد. که انسان توجه کند این نعمت‌های خدا را پیدا کند: «وَإِنْ تَعُذُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُّونَهَا» (بعل، آیه ۱۸) وقتی انسان دچار کمبود نعمت می‌شود، می‌فهمد این نعمت چه قدر بزرگ بود. ما توجه نداریم به این نعمت‌ها! وقتی انسان توجه

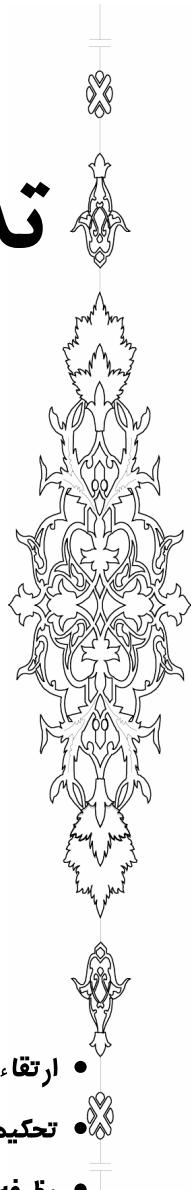
---

---

کرد به این نعمت‌ها، و معرفت پیدا کرد، قناعت پیدا می‌کند.

سومی هم این است که از هر آنچه خدا برای تو ممنوع کرده، دامنت را برچینی. ورع، یعنی کناره گیری کردن، دامن برچیدن، دوری کردن. این می‌شود زهد.

جلسهٔ دویست و چهل و دوم درس خارج فقه ۸۷/۸/۱۳



# تداپیر

# تریتی

# و معنوی

- ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی
- تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه
- وظیفه معنویت افزایی روحانیون

## ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

### شرافت مدادح و شاعران اهل بیت علیهم السلام

معروف است که می‌گویند: شرف هر علمی  
بستگی دارد به شرف موضوع آن علم؛ هر علمی  
که موضوع آن شرافت بیشتری دارد، آن علم هم  
شرافت بیشتری دارد. حالا اگر این را از علم به  
مشاغل تسریّی بدھیم، موضوع مشغلهٔ شما و کار  
شما و همت شما عبارت است از مدح  
اهل بیت علیهم السلام وبصیرت‌افزایی و بیدارگری

مستمعین؛ بالاترین چيزهast، خيلي بالارزش است، از اين ارزش استفاده کنيد. بحمدالله جمعيت مداحها هم زياد است؛ حالا اين جماعتي که امروز اينجا تشريف آوردید که جماعت قابل توجهی است لکن تعداد خوانندگان مداح در سرتاسر کشور بيش از اينهاست؛ تعداد در همهجا بحمدالله خيلي زياد است؛ افرادي هستند که علاقهمندند و به اين کار میپردازنند؛ بهرحال اين يك رسالت بسيار مهم است، به اين رسالت باید اهمیت بدهيد. البته نقش مهمی هم شعرا ايفا میکنند؛ شعرا که شعر را میسازند، نقش مهمی را ايفا میکنند؛ متنهای شعر بدون اجرای خوب تأثيرش کم است و شما که آن اجرای عالي را، اجرای خوب را انجام میدهيد، آنوقت تأثير میگذارد.<sup>۶</sup>

## گسترش راههای علمی پدیده مذاهی

الحمد لله كمیت مذاهان - بخصوص جوانان -

در این عرصه کمیت بسیار مطلوب و زیاد و خوب است، کیفیت‌ها هم در بعضی از جاها واقعاً خوب است. این مسئله مذاهی در کشور ما یک پدیده‌ای است؛ شبیه این را ما در هیچ جای دیگری نداریم. البته اختصاصات جامعه شیعه و چیزهای اختصاصی که در سایر جوامع اسلامی و غیر اسلامی نیست، متعدد است؛ خود اصل عزاداری مثلاً یا اصل مصیبت‌خوانی برای اهل‌بیت علیهم السلام که معمولاً همراه است با موعظه و نصیحت و بیان معارف و مسائل روز و بیانات گوناگون و هرچه اقتضای هر زمانی می‌باشد، جزو اختصاصات شیعه است و از زمان ائمه علیهم السلام تا امروز ادامه داشته است؛ در جاهای دیگر نیست و خلاش را احساس می‌کنند. خلاش را در جاهای دیگر احساس می‌کنند و سعی می‌کنند یک جوری پر کنند و نمی‌شود. لکن این پدیده مذاهی و نغمه‌سرایی در باب مدح و مصیبت و مرثیه و ذکر

و امثال اينها هم يکی از اختصاصات است؛ اين هم جای ديگري نيست و به اين شکل وجود ندارد؛ به اين عموميت و به اين وسعت - چه وسعت از لحاظ كميّت، چه وسعت از لحاظ معانی و مفاهيم و مانند اينها - نيست. اين پديده درخور کار علمی است؛ يعني واقعاً جا دارد دانشجويان ما، اساتيد ما، محققین ما بنشينند و روی اين پديده فکر کنند، کار کنند؛ هم تفسير و تحليل کنند، هم راههای علمی گسترش اين را به ما نشان بدهند و ياد بدهند. ما در واقع دست‌کم گرفتيم اين پديده را؛ خيلي پديده مهمی است.<sup>۶</sup>

## برکات عید نوروز

عید نوروز هم واقعاً یک فرصتی است برای ما ایرانی‌ها. با قطع نظر از جنبه ارتباط این روز معین با آنچه در تاریخ اسلام است - که حالا بعضی‌ها تطبیق می‌کنند با روز غدیر و بعضی‌ها با روزهای دیگر، که من نمی‌توانم قضاوتی نسبت به صحّت و سقم این تطبیق‌ها بکنم - خود این عید که اوّل سال خورشیدی ما و منتبه به هجرت پیغمبر اکرم است، واقعاً یک فرصت بزرگ و خوبی است. اعیاد این جوری هستند؛ یک سرآغاز را و یک دورهٔ جدید را به انسان‌القا می‌کنند. این احساس ورود در دورهٔ جدید به انسان کمک می‌کند که نشاط تازه‌ای پیدا کند، برنامه‌ریزی جدیدی بکند، ابتكاری به میدان بیاورد؛ خیلی چیز خوبی است. لذا در همهٔ دنیا همهٔ ملت‌ها به اعیاد سال‌شان اهمیت می‌دهند. این اهمیت ممکن است در یک جاهایی جنبهٔ مذهبی داشته باشد، مثل مسیحی‌ها و دیگران؛ یک جاهایی هم نه، جنبهٔ مذهبی اصلاً ندارد اماً اوّل سال است. اوّل سال

یعنی روز نو، کار نو، ابتکار نو؛ معنايش این است.  
این خیلی احساس خوبی است که برای انسان  
به وجود می آورد.

یک برکت دیگر عید نوروز، این دیدارها و  
هماهنگی ها است. الان شما که اینجا جمع شده اید،  
عمده مسئولین کشور هستید؛ از سه قوه و بعضی  
از نهادها در اینجا جمünd همه با هم کنار هم  
نشسته اند؛ از قوه مجریه، از قوه مقننه، از قوه  
قضائیه و از نهادهای انقلابی، همه دور هم  
نشسته اند و یک وحدتی را دارند نشان می دهند؛  
این خیلی چیز بالرزشی است و برای یک کشور  
خیلی مهم است.<sup>۷</sup>

## تحکیم محبت به عترت و معرفت به ادعیه

### بهره مندی از برکات ولادت

این سال، [۱۳۹۵] دارای این خصوصیت است که هم در آغاز آن، ولادت با سعادت فاطمه زهرا ؑ است - برحسب ماههای قمری - و هم بار دیگر در پایان این سال، مصادف است با همین ولادت مکرم و معزّز. از خداوند متعال می‌خواهیم که به یمن وجود فاطمه زهرا ؑ که بانوی دو سرا و سیده نساء عالمین است، این سال را برای ملت ایران و برای همه مسلمانان عالم و محبان اهل‌بیت مبارک کند و از برکات این ولادت مکرم، ان شاء الله همه استفاده کنند و بهره ببرند.<sup>۴</sup>

## خصوصیات حضرت فاطمه ؑ

### الگوی مردان و زنان جهانیان

درباره حضرت زهرا ؑ - این را نه به عنوان اینکه آدم بخواهد جزو حرف‌های متعارف و معمول که می‌زند، بر زبان جاری کند - حقاً و انصافاً مها قاصریم، حقیرتر از آن هستیم که بخواهیم از آن مقام باعظمت سخن بگوییم؛ از حقیقت نوری آن بزرگوار و امثال ایشان از ائمّه معصومین، زیان مها، بیان مها، فهم مها کوتاه‌تر از این است که بتوانیم در این زمینه‌ها صحبت کنیم: «خَلَقْكُمُ اللَّهُ أَنوارًاٰ فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ»؛ (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳: «خداؤند شما را به صورت نورهای آفریده و گردآورد عرش خود قرار داده») قضیّة انوار ائمّه معصومین علیهم السلام این است؛ دیگر حالاً ما چه می‌خواهیم بگوییم؟ لکن در زمینه سیره این بزرگواران و رفتارهای آنها و اسوه بودن آنها به عنوان یک بشر، چرا! حرف زیاد هست! خیلی حرف‌ها را هم زده‌اند؛ بعضی از برادران هم در شعرهای امروزتان اشاره کردید. میدان هم برای

حرف زدن زياد است. در اين زمينه چند جمله‌اي عرض مى‌کنيم.

ما باید راجع به حضرت زهرا ؑ از اين نگاه دوّم، يعني اسوه بودن و مثال بودن نگاه کنيم. خدای متعال در قرآن راجع به دو زن به عنوان اسوه مؤمنین و دو زن به عنوان نمونه کافرين — «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءاْمَنُوا امْرَأَتَ فَرَعَوْنَ»، ( تحریم، آیه ۱۱ ) «برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مُثَل آورده... ». و بعد از يك آيه: « وَ مَرِيمَ ابْنَتَ عُمَرْ نَبِيًّا » ( تحریم، آیه ۱۲ ) « مریم دخت عمران را » ( مثال زده است و برای مؤمنین — نه برای زن‌های مؤمن؛ مرد و زن — دو نمونه آورده است. با اين نگاه مى‌شود به اين بزرگواران نگاه کرد به عنوان نمونه و از آنها درس گرفت. خب! فاطمه زهرا ؑ صدیقه کبرا است در میان صدیقین و صدیقات، کبرا يعني بزرگ‌ترین صدیقه است اين بزرگوار.

حالا مى‌خواهيم از ايشان درس بگيريم؛ زن‌ها هم درس بگيرند، مردها هم درس بگيرند؛ همه — عالم و جاهل — درس بگيرند. بيبينيم درباره اين

بزرگوار در کلمات ائمّه م Gusomien، آنچه ذکر می‌شود از مدایح، چه چیزهایی است. در زیارت امام رضا علیهم السلام وقتی نوبت به حضرت زهرا زینت‌الله می‌رسد برای صلوات - آن زیارتی که سر تا پا صلوات است - می‌گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ»؛ (کامل الزیارات، ص ۳۱۰؛ «خدایا درود بفرست بر فاطمه دختر پیغمبرت»). این یک خصوصیت.

خب! این خصوصیت خیلی مهمی است؛ البته قابل تأسی نیست؛ همه دختر پیغمبر نمی‌شوند؛ اما انتساب به پیغمبر به صورت دختر او، نشان‌دهنده رفعت مقام است. و زوجه ولیک، این هم دوّمی؛ البته این هم قابل دست‌گیری نیست و همه نمی‌توانند زوجه ولی خدا بشونند؛ اما رفعت مقام، رفعت شأن و جاه و جلال این بزرگوار را نشان می‌دهد: «وَ أُمُّ السَّبِطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ جنبه کاربردی این خصوصیت، بیشتر از آن دو صفت قبلی است؛ جنبه کاربردی تربیت سبطین. سبطینی که «سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

هستند، مادرشان این بزرگوار است؛ دامان پاکیزه این مادر است که توانسته اینها را تربیت بکند. این آن چیزی است که می‌تواند برای ما به عنوان الگو، به عنوان اسوه مطرح بشود.

بعد: **الظہرَ الطَّاهِرَ المُطَهَّرَ التَّقِيَّةَ الرَّضِيَّةَ الزَّكِيَّةَ**  
(من لایحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۳) که همه اینها کاربردی است؛ طهارت، با سه بیان که البته این سه بیان «طهر»، «طاهر» و «مطهر» تفاوت‌هایی از لحاظ معنا با هم دارند. البته هر سه تعبیر اشاره به طهارت و پاکیزگی است: طهارت روح، طهارت دل، طهارت مغز، طهارت دامان، طهارت سرتاسر زندگی. خب! این کاربردی است، این برای ما درس است؛ باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیم، باید تطهیر کنیم خودمان را! بدون طهارت باطن نمی‌شود به مقامات رسید؛ به حریم ولایت این بزرگوارها هم نمی‌شود رسید؛ طهارت باطن لازم است. طهارت باطن، با تقوا است، با ورع است، با ملاحظه است؛ ملاحظه دائمی و مراقبت دائمی از خود طهارت به وجود می‌آورد.

خب! البته انسان جایز الخطاست و ممکن است

بر ما سیاهی‌هایی عارض بشود اما راه پاک کردن آن سیاهی‌ها را هم خدا به ما نشان داده، یاد داده: توبه، استغفار کنیم؛ استغفار، یعنی عذرخواهی کردن؛ «استغفرالله»، یعنی: خدایا عذر می‌خواهم، معذرت می‌خواهم. واقعاً! قلباً از ته دل از خدای متعال معذرت بخواهیم؛ این استغفار است، این پاک می‌کند آن سیاهی را و آن لگه را. خب: «الْطَّهِرَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ». التّقیة، همان تقواء، التّقیة، آن نقاوت و پاکیزگی باطنی و قلبی؛ اینها خصوصیات فاطمه زهرا علیها السلام است. ما اینها را بايستی به عنوان الگو، به عنوان اسوه، در نظر داشته باشیم و خودمان را به آن نزدیک کنیم.<sup>۶</sup>

## ضرورت طرح زندگی معمصومین علیهم السلام

### در اشعار مداعان

خب! حالا شما به عنوان مدّاح وقتی می خواهید  
راجع به فاطمه زهرا علیها السلام صحبت کنید، اينها را باید  
بگنجانيد در بيانات تان، در شعرتان، در مدحه تان.  
بله! مقامات معنوی ائمه علیهم السلام و فاطمه  
زهرا علیها السلام وقتی گفته می شود، دل مستمع روشن  
می شود، وقتی که شما مقامات معنوی را می خوانيد،  
دل انسان روشن می شود، حالت حضوری پیدا  
می کند، حالت خصوصی پیدا می کند، این خیلی  
خوب است، اينها به جای خود محفوظ و لازم  
است، لكن کافی نیست. حالا که حالت حضور  
پیدا شد، حالا که دلتان روشن شد، باید درس  
بگیريم؛ درس در اين جملات کاربردي است؛  
يعنى بايستى كوشش بشود در هر منبرى - چه در  
فاطمي، چه در عاشورا، چه در اوقات ديگر- درس  
از ائمه علیهم السلام، درس انسان شدن، درس كامل شدن،  
درس تقرب الى الله گنجانده بشود. ما باید درس  
بگيريم، ياد بگيريم. صرف محبت کافی نیست.

البته محبت کارساز است اما کافی نیست، ولايت  
لازم است. ولايت یعنی توّلی کردن، دنباله روى  
کردن، دست به دامن اينها زدن؛ راهى را که اينها  
رفته‌اند، انسان آن راه را بروود؛ اين لازم است!

این يك نکته است که به نظر بندۀ در کار  
مدّاحی - بخصوص گويندگان، به معنای شعراي  
که شعر می‌سازند - مورد توجه باید قرار بگیرد:  
گاهی انسان می‌بيند که فضائلی را ذکر می‌کنند که  
حالا در هیچ روایتی و در هیچ جمله‌ای از معصوم  
هم این فضیلت وجود ندارد و درواقع فضیلتی هم  
نيست! گفت: «آنکه بسنجدید رُخت را به ماہ ز  
اشتباه» در واقع از قيمت تو کاست؟ (اشاره به بياني از  
وثوق الدّوله؛ («آنکه بسنجدید رُخت را به ماہ ز اشتباه / گفت که  
هم سنگ ترازوی توست از تو کاست») به ماہ تشبيه کردن و به  
خورشيد تشبيه کردن چيزهایي نیست که ارزشی  
برای آن مشبه به وجود بياورد، آن‌هم مثل اين  
بزرگوارانی که مقامات معنوی‌شان، مقامات  
الهي‌شان آن‌چنان است که چشم اهل معنا را خيره  
مي‌کند، چه مaha که آن چشم را هم نداريم که

بخواهیم بفهمیم. گاهی هم کلیاتی گفته می‌شود که از آن، چیزی فهمیده نمی‌شود و مستمع استفاده‌ای نمی‌کند! پس من جمله اوّلم به شما برادران عزیز این است که در مدح این بزرگواران - چه حضرت زهرا علیها السلام ، چه ائمه هدا علیهم السلام - حتماً از مباحث کاربردی‌ای که در زندگی اینها هست، استفاده بشد!

## ترويج مسائل روز در مداعی

یک نکته دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه مداح تا حدود زیادی رواج دارد، توجه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخش‌های مختلفی راجع به مدافعين حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهمی است، اینها مسائل اساسی‌ای است؛ نباید خیال کنیم که اینها از حیطه تدین ما خارج است! خب شما ببینید: پیغمبر اکرم که سید خلق عالم است و برتر از این بزرگوار هیچ موجودی را خدای متعال نیافریده است و آورنده همین دین و همین اسلامی است که ما امروز مدّعی‌اش هستیم، در زمینه مسائل جاری سیاسی کشورش - همان کشوری که آن روز وجود داشت و کشور کوچکی بود - این بزرگوار چه قدر تلاش می‌کرد، چه قدر زحمت می‌کشید. پیغمبر اکرم نمی‌نشست فقط احکام نماز و روزه و توجه و عبادت و نماز شب را به مردم یاد بدهد؛ نه! در همین مسجد مردم را جمع می‌کرد، آنها را به جهاد دعوت می‌کرد، آنها را به

و حدت دعوت می‌کرد، آنها را به آگاهی در مقابل  
دشمن دعوت می‌کرد؛ همین حرف‌هایی که امروز  
برای من و شما مطرح است. مسائل روز مسائلی  
نمی‌ست که بشود از آن صرف نظر کرد.<sup>۶</sup>

## وظیفه معنویت افزایی روانیون

### جایگاه انقلابی آیت‌الله واعظ طبسی

#### قبل و بعد از انقلاب

این جلسه امروز شما، آخرین اجلاس از طولانی‌ترین دوره مجلس خبرگان است؛ در این سال‌ها - حدود نه سال که جناب آقای یزدی فرمودند - این مجلس اجلالیه‌هایی را برگزار کرد، کارهایی انجام دادند، مطالب مهمی گفتند و منشأ آثاری هم شدند. در گذشتگانی بودند؛ به نظرم - آن‌طور که به من گزارش دادند - حدود هفده نفر از اعضای این مجلس در طول این سال‌ها از دنیا رفته‌اند. البته این دوره جدید هم که آغاز خواهد شد، همین‌جور است؛ دنیا همین است؛ بعضی‌ها در آخر خط قرار دارند و حرکت به سمت عالم بقا یک حرکت دائمی است از سوی آحاد بشر؛ و این قدرت الهی است و تقدير الهی است. بایستی مراقب باشیم، و برای آن در گذشتگان عزیزی که در این دوره بودند و زحمت کشیدند و حضور پیدا کردند، طلب مغفرت کنیم.

من به خصوص ياد می‌کنم از مرحوم آقای طبسی رهبر انقلاب و مرحوم آقای خرзعلی رهبر انقلاب که اين دو برادرِ خوب، جزو کسانی بودند که به معنای واقعی کلمه در مجلس خبرگان جایگاه خبرگی را حفظ کردند و حقیقتاً امتحان خوبی دادند. مرحوم آقای طبسی رهبر انقلاب که سوابق مبارزاتی ايشان در دوران اختناق، بعد هم خدمات ايشان در آستان قدس و در مجموعه مسائل انقلاب، برای اغلب افراد شما روشن است؛ متنهای يك برجستگی هایی هست که اين برجستگی ها را نمی شود انسان ندیده بگيرد؛ رحمت خدا بر اين مرد بزرگ و برادر عزيز ما.

ايشان در حساس‌ترین موقع، جایگاه انقلابی خودش را به‌طور واضحی ظاهر کرد و حفظ کرد و بر آن اصرار ورزید و تصريح کرد. مرحوم آقای طبسی در فتنه سال ۸۸ همه ملاحظات را کنار گذاشت و آمد وسط ميدان؛ رفاقت‌ها و رودربايسى‌ها و مانند اينها را کنار گذاشت؛ موقع زياطي ما از ايشان اين حالت را ديديم؛ انسان صريح، مؤمن، قاطع. اينها آن چيزهایی است که در

حفظ شخصیت افراد و در تاریخ زندگی افراد می‌ماند؛ در حساب الهی هم اینها باقی است. زندگی این مرد مؤمن و بزرگوار در طول این دوران مسئولیت، تغییر پیدا نکرد؛ ایشان در همان خانه‌ای از دنیا رفت که ما قبل از انقلاب بارها و بارها به آن خانه رفته بودیم؛ در همان خانه و با همان اثاث زندگی. آن روزی که ماهه نشستن روی مبل را بلد نبودیم، ایشان در خانه‌اش مبل داشت؛ همان مبل ۴۰ سال، ۴۵ سال قبل، امروز هم در خانه ایشان است و از همان‌ها استفاده می‌کردند. زندگی خودش را توسعه نداد، وضع اشرافی به خود نگرفت. خب! اینها در مردم اثر می‌گذارد؛ باینکه علیه ایشان تبلیغات هم زیاد می‌کردند، لکن دیدید مردم مشهد چه بدرقه‌ای کردند از این انسان. تشییع جنازه مرحوم آقای طبسی و نماز بر ایشان، مثل بزرگ‌ترین راهپیمایی‌هایی بود که در مشهد انجام گرفته بود که ما دیدیم؛ آن صحن باعظمت، مملو از جمعیت بود و همه هم مردم مشهد - اوقات زوّاری هم نبود که بگوییم زوّار آمده بودند؛ نه! مردم مشهد بودند - آمدند قدردانی کردند؛ قدرشناسی کردند. رحمت خدا بر این فقید عزیز ما.<sup>۳</sup>

## پایمردی آيت‌الله خرعلی

مرحوم آقای خرعلی للهم امتحانی از نوع دیگر و بسیار دشوار را دادند؛ پای حرف‌های خودشان ایستادند، پای انقلاب ایستادند. آنجایی که بحث نزدیکان و متنسبان بود، با کمال صراحة، با کمال شجاعت ایستادند. حالا به بنده که مکرّردمکرّر مطالبی گفتند که در سینه من و در نوشته جات من ثبت است، اما در علن هم مطالب زیادی گفتند، که اینها را دیگران شنیده‌اند. این مرد پای انقلاب ایستاد. اینهاست که ارزش می‌دهد به انسان‌ها، معنا می‌دهد به حرکت انقلابی انسان‌ها. رحمت خدا بر اینها. امیدواریم که خدای متعال با رضوان خود، با رحمت خود، از اینها استقبال کند؛ «كَانَى بِنَفْسِى وَاقِفَةً بَيْنَ يَدِيكَ فَقَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِى عَلَيْكَ فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَعَمَّدَتْنَى بِعَنْوَكِ.» (مفائق الجنان، مناجات شعبانیه؛ «معبد» آن‌سان به رحمت تو امیدوارم که گویی در پیشگاهت ایستاده‌ام و توکل بسزايم به تو، بر سرم سایه گسترده است؛ پس تو فرمانی را که سزاوار آنی رانده‌ای و مرا در عفو و گذشتت پوشانده‌ای) امیدواریم انشاء‌الله خدای متعال، اینها را مشمول این فقره مناجات شعبانیه قرار بدهد. (معظم‌له این فقرات را با گریه بیان کردند).<sup>۳</sup>

## وزانت دهندگان به مجلس خبرگان

خب! البته در همه انتخابات‌ها بعضی رأی می‌آورند، بعضی رأی نمی‌آورند؛ علل گوناگونی هم دارد. بنده لازم می‌دانم از آن کسانی که در این دوره نُساله، حضور داشتند و زحمت کشیدند و در دوره بعد نیستند، همینجا تشکر کنم.

البته بعضی از بزرگان ما هستند که اینها رأی آوردن و نیاوردن‌شان، هیچ مساسی (لطمه زدن، اخلال پیدا شدن) به شخصیت اینها پیدا نمی‌کند. بعضی هستند که مجلس خبرگان از حضور آنها بهره‌مند می‌شود، نه آنها از حضور در مجلس خبرگان! امثال جناب آقای یزدی یا جناب آقای مصباح، کسانی هستند که وقتی در مجلس خبرگان حضور داشته باشند، مجلس وزانت بیشتری پیدا می‌کند. نبودن اینها در مجلس خبرگان، به اینها هیچ‌گونه ضرری نمی‌زند. بله! برای مجلس خبرگان نبودن اینها خسارت است. شخصیت بر جسته اشخاص به معنویات آنها، به داشته‌های معنوی آنها، به سرمایه‌های معنوی آنها است.

اميدواريم که خدای متعال آن کسانی را که در  
اين دوره جديد هستند و قبلًا نبودهاند، و كلّ  
مجلس خبرگان را انشاءالله موفق بدارد.<sup>۳</sup>

# تدابیر فرهنگی و هنری

• جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

## جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

### اهمیت مسائل فرهنگی

### و لزوم حمایت از نیروهای انقلابی

می‌دانید که مسائل فرهنگی به نظر من بسیار مهم است؛ بنده به مسائل فرهنگی اهمیت بسیار زیادی می‌دهم و آنچه امروز می‌خواهم عرض بکنم، همان مطلبی است که به نظرم سال گذشته بود یا سال قبلش بود که در همین جلسه اول سال

عرض کردم (بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس ۱۳۹۳/۱/۱) که این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می‌کنند - که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار می‌کنند، خودشان فکر می‌کنند، خودشان تلاش می‌کنند و کار فرهنگی می‌کنند - روزبه روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آنها باید که مربوط به فرهنگ‌اند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزش‌های اسلامی را باز کنند، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمان‌ها، به روی جوان‌های مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌الله‌ی باز کنند؛ اینها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند؛ کارهای فرهنگی بالارزشی دارد انجام می‌گیرد. در همه زمینه‌ها جوانان انقلابی ما می‌توانند تلاش کنند، کار کنند.

جوانان عزیز! کشور مال شما است، فردا مال  
شما است، امروز هم مال شما است؛ بدانید: شما  
اگر در میدان باشید، شما اگر با ایمان به خدا  
و توکل به خدا حرکت کنید، شما اگر باور به خود  
داشته باشید، آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا هیچ  
غلطی نمی‌توانند بکنند!<sup>۶</sup>

## ضرورت اجرای هنرمندانه و پرمغز

این که بنده گاهی اوقات اعتراض می‌کنم به بعضی از مذاھی‌ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه محرم وقتی انسان نگاه می‌کند - که گاهی می‌آورند عکس‌هایش را؛ حالا هم که دیگر این وسایل زیاد شده؛ البته بنده ندارم اما گاهی می‌آورند به من نشان می‌دهند این عکس‌ها و مانند آینها را - می‌بیند مثلاً در یک جلسه همه دارند همین طور می‌پرند هوا و می‌آیند پایین!! خب! این چه فایده‌ای دارد؟! این چه تأثیری دارد؟! کجای این عزاداری است؟!

اینکه من اعتراض می‌کنم، از هیجان جوان‌ها بنده ناراحت نیستم! خب جوان اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائمًا دلش می‌خواهد انرژی خودش را تخلیه کند؛ من از این باب می‌گویم که این وظیفه‌های بزرگ زمین نماند. وقتی که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دلشان را دادند به شما، شما می‌توانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پرمغز،

اینها را تبدیل کنید به انسان‌های کارآمدی که با عزم جزم بروند دنبال کار، می‌توانید هم تبدیل کنید به آدم‌های بی‌خیال، بی‌فکر، ناامید و از لحظه معنوی تهیّدست؛ این کار را هم می‌شود کرد! شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اول را انتخاب کنید. حرف من این است!<sup>۶</sup>

## هدايت مردم از طريق وسایل تبلیغات جمعی

مدّاحی، ضمن اينکه مدح بهترین خلائق عالم است - موضوعش مدح بهترین خلائق عالم است که اهل بیت علیہ السلام باشند لذا شأن و رفعت والاي دارد؛ مدّاحی به طور طبیعی این است - اما شما نگاه کنید ببینید مثلاً شاعری مثل دعبدل خزاعی در قصيدة «مدارس آیات» چه دارد می گوید؟ قصيدة «مدارس آیات» آن قصیده‌ای است که حضرت رضا علیه السلام تشویق کردند و به او کسوه (جامه و لباس) دادند و صله دادند. این قصیده‌ای است که اصلاً بساط بنی عباس را، فلسفه وجودی بنی عباس را زیر سؤال می‌برد و آنها را محکوم می‌کند؛ یعنی سیاسی محض است! فقط این نیست که یک روپنه‌خوانی محض و مرثیه‌خوانی محض باشد؛ نه! مرثیه‌خوانی لازم است اما همان کاری که در کنار مرثیه‌خوانی انجام می‌گرفته، مورد توجه ائمه علیہ السلام است. قصيدة دعبدل، قصيدة کُمیت، قصائد گوناگون که شعرای آن وقت می‌گفتند، دیگران هم می‌خوانندند و انشاد می‌کردند یعنی مثل شما که با صدا می‌خوانید، چه

خود شاعر، چه دیگری، می‌آمدند و آنها را با صدا  
برای مردم می‌خوانندند؛ وسایل تبلیغات جمعی  
ubarat بود از همین‌ها؛ امروز شما از همین‌ها  
می‌توانید استفاده کنید؛ از وسایل تبلیغات جمعی  
بهره‌مند بشوید و مردم را هدایت کنید؛ این به نظر  
من کار بسیار اساسی‌ای است.<sup>۶</sup>

# تدابیر مدیریتی

- ساماندهی و همگرایی درون سازمان
- افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری

## ساماندهی و همگایی درون سازمان

لزوم همکاری مردم و قوای سه گانه

و گرامی داشت نیروهای انقلابی

البته باید مردم کمک کنند. من به شما عرض  
بکنم که مردم - چه افراد سیاسی، چه افراد  
اقتصادی، چه آحاد مردم - باید به دولت کمک  
کنند، به مسئولین کشور کمک کنند. این کار البته  
 فقط هم کار دولت نیست؛ هر سه قوه باید با  
 یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم  
 هم باید کمک کنند به اینها؛ این کمک لازم است و  
 جدیّت مسئولین بخصوص قوه مجریه هم لازم  
 است. اگر بتوانیم این حرکت را راه بیندازیم،  
 عرض کردیم که این جریان، جریان انقلابی است

و هم سرعت خواهد داشت، هم موقعيت خواهد داشت. ما در هرجايي که کار انقلابي کردیم، اينها را داریم. ببینید! کاري که شهداي هسته‌اي ما در زمينه‌های هسته‌اي که بسيار هم حساس است پيشاهنگش بودند، کاري که شهيد طهراني مقدم پيشاهنگش بود، کاري که شهيد کاظمي (دکتر سعيد کاظمي آشتiani (رئيس پژوهشکده رويان) در زمينه سلول‌های بنیادی پيشاهنگش بود، کارهای بسيار بزرگی است. در زمينه‌های فرهنگي هم کاري که شهيد آويني پيشاهنگش بود و در اين اوآخر هم مرحوم سلحشور - که اينها پيشروان کار انقلابي در اين کشورند - اينها را باید ترويج کرد، اينها را باید تقدير کرد و نام اينها را باید گرامي داشت. کار انقلابي اين است. اينکه من بارها تكرار مى‌کنم که نيروهای انقلابي را و نيروهای حزب الله را باید گرامي بداريم و باید نگه بداريم، به خاطر اين است! کار وقتی با روحيه انقلابي شد، پيشرفت خواهد کرد!<sup>۵</sup>

## افزایش کارآمدی پویایی و نوآوری

### بهره‌گیری از فرصت‌ها و تهدیدها

سال‌ها و ایام عمر انسان، مشتمل بر فرصت‌هایی است و مشتمل بر تهدیدهایی است. هنر ما باید این باشد که از فرصت‌ها استفاده کنیم و تهدیدها را هم تبدیل به فرصت کنیم. سال ۹۵ پیش روی ما است. در این سال هم مانند همیشه، فرصت‌ها و تهدیدهایی وجود دارد. همه باید تلاش کنند تا بتوانیم از فرصت‌های این سال به معنای حقیقی کلمه استفاده کنیم و کشور از اول تا آخر این سال تفاوت‌های محسوسی پیدا کند.

امیدهایی وجود دارد برای سال ۹۵. انسان به مجموعه اوضاع که نگاه می‌کند، امیدهایی را مشاهده می‌کند. البته برای تحقق این امیدها باید تلاش کرد، باید کار شباهه‌روزی کرد و باید بی‌وقفه سعی و کوشش کرد. اصل قضیه این است که ملت ایران باید بتواند کاری بکند که خود را در مقابل تهدیدهای دشمنان و دشمنی‌های آنها، از آسیب‌پذیری خارج کند. ما باید کاری کنیم که در مقابل تهدید دشمنان،

آسیب‌پذیر نباشیم. آسیب‌پذیری را به صفر برسانیم.<sup>۴</sup>

# تدابیر و طرح برنامه‌ای

• تصمیمات راهبردی

• اولویت‌بندی و جهت‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها

## تصمیمات راهبردی

### وظایف مهم مجلس خبرگان

به نظر من مجلس خبرگان مهم‌ترین جایی است که بایستی متوجه به وظایف خودش باشد. من اگر بخواهم در یک کلمه عرض بکنم، آن یک کلمه این خواهد بود که مجلس خبرگان باید انقلابی بماند؛ باید انقلابی فکر کند و انقلابی عمل بکند؛ این خلاصه مطلب!

در تفسير اين مطلب، خيلي حرف مى شود زد؛  
يکى اين است که در انتخاب رهبر آينده، ملاحظه  
خدا را بکنيد. احتمال اينکه اين دوره‌اي که تازه  
شروع خواهد شد، مبتلا بشود به اين آزمایش،  
احتمال کمي نیست؛ آن وقتی که بنا است رهبر  
انتخاب بشود، ملاحظات و رودربايسى ها را کنار  
بگذارند؛ خدا را در نظر بگيرند! وظایف را در نظر  
بگيرند! نياز كشور را در نظر بگيرند! بر اين اساس  
رهبر انتخاب بشود؛ مهم‌ترین وظيفه به نظر ما اين  
است؛ مراقبت کنند. اگر چنانچه در اين مرحله و در  
اين وظيفه بزرگ کوتاهی انجام بگيرد، در اساس  
كار مشكل به وجود خواهد آمد؛ اين مهم‌ترین  
مسئله است که بايستى مورد توجه قرار بگيرد.

البته غير از اين وظيفه، وظایف دیگری هم  
مجلس خبرگان دارد؛ همین طور که آفایان اشاره  
كردند مجلس خبرگان متشکل از بزرگان و علماء و  
شخصیت‌های موجّه در استان‌ها هستند؛ می‌توانند  
تأثیر بگذارند، می‌توانند حرف مردم را بشنوند و  
آن را در اينجا مطرح کنند؛ مجلس خبرگان يك

واسطه‌ای بشود بین خواسته‌های مردم و بین مسئولین محترم دولتی یا قضائی؛ این یکی از کارها است. یا اینکه حقایق را، مطالب مهم را، با توجه به جایگاه خبرگانی خودشان و شخصیت حقیقی خودشان برای مردم تبیین کنند؛ چه در نمازهای جمعه، چه در جاهای دیگر. این نکته‌ای که جناب آقای یزدی در آخر بیانات‌شان بیان کردند، روشن است؛ وظیفه اصلی ما عبارت است: از تبیین! باید تبیین کنیم! این تبیین به شکل‌های مختلفی ممکن است انجام بگیرد؛ آن شکلی که در آن فتنه به وجود بیاید، دعوا به وجود بیاید، آن شکل مطلوب نیست! آن شکلی که برای مردم آگاهی به وجود بیاید، برای مسئولین تتبّه به راه حل‌ها به وجود بیاید، آن شکل بسیار مطلوب است؛ این اشکالی هم ندارد. جایگاه قانونی خودشان را حفظ کنند. بیان موضع‌گیری خوب است، البته عرض کردیم بیان موضع‌گیری دو جور ممکن است؛ آن جوری باشد که موجب فساد و موجود فساد باشد، باید باشد! اما بیان حقایق جوری که مردم را آگاه

کند، مسئولین را آگاه کند، مسئولین را متشکر کند مطلوب است. گاهی انسان یک حرفی را می‌زند اگرچه انتقاد‌آمیز است، مسئولین می‌آیند تشکر می‌کنند؛ برای خود ما مکرر پیش آمده که مسئولین می‌گویند: آقا این نکته‌ای که شما گفتید، کار ما را آسان کرد و ما می‌توانیم کارمان را انجام بدھیم؛ ممکن است تشکر بکنند از شما. این هم این مطلب.

پس بنابراین، در مورد مجلس خبرگان، عرض ما این است که مصلحت‌اندیشی‌های شخصی رعایت نشود؛ رودربایستی‌ها رعایت نشود؛ مرّ حقیقت و آنچه وظیفه انسان است که باید در مقابل خدای متعال انسان جواب بدهد، آن را در نظر بگیریم؛ متوجه سؤال پروردگار باشیم.<sup>۳</sup>

## ضرورت توجه به سه اولویت مهم

### برای پیشرفت کشور

یک تذکر هم به دولتی‌ها است. خوشبختانه رئیس‌جمهور محترم‌مان اینجا حضور دارند؛ البته ما به ایشان در جلسات خصوصی، در جلسات دولتی تذکرات لازم را که به نظرمان می‌رسد، می‌گوییم، اینجا هم فرصت خوبی است. دولت اولویت‌های کشور را در نظر بگیرد؛ ما اولویت‌هایی داریم. البته نیاز خیلی است؛ میدان نیازهای کشور میدان وسیعی است؛ یعنی شاید اصلاً قابل شمارش نباشد لکن طبق قاعده عقلایی باستی اولویت‌ها را، فوریت‌ها را، یا مسائل ریشه‌ای‌تر را در نظر گرفت. من به نظرم سه مسئله از لحاظ اولویت، از لحاظ ریشه‌ای بودن و حل مشکلات دیگر از همه مهم‌تر است:

#### ۱- مسئله اقتصاد مقاومتی:

کشور بدون اقتصاد مقاومتی رشد نخواهد کرد، مشکلات اقتصادی‌اش برطرف نخواهد شد، بلکه گرفتاری‌هاییش روزبه‌روز بیشتر خواهد شد، اگر ما

اقتصاد مقاومتی را عمل نکنیم. بندۀ از برادران عزیزمان در دولت درخواست کردم که یک قرارگاه اقتصاد مقاومتی تشکیل بدهند؛ فرماندهی برایش بگذارند. جنگ است دیگر! جنگ اقتصادی جنگ است؛ حالا در آن توپ و تیر و تفنگ نیست اما ابزارهای خطرناک‌تر از توپ و تفنگ وجود دارد. یک جنگ است، قرارگاه لازم دارد، قرارگاه هم فرمانده لازم دارد. ما پیشنهاد هم کردیم، قبول هم کردند، کارهایی هم دارد انجام می‌گیرد؛ متنها باید این کارها محسوس بشود، باید اینها دیده بشود. فعالیت‌های دولتی - فرض کنید فلان معامله‌ای که در فلان‌جا انجام می‌گیرد - باید مشخص بشود که این کجای اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد؛ این را ما به مسئولین عزیزمان تذکر دادیم که فلان‌جا شما دارید فلان‌چیز را می‌خرید یا فلان‌چیز را معامله می‌کنید، خیلی خب! در صحنه عرصه اقتصاد مقاومتی، این معامله در کجای این جدول عظیم قرار می‌گیرد؟ باید مشخص بشود! یعنی معیار همه کارهای اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی ما بایستی

برنامه عظیم و همه‌جانبه اقتصاد مقاومتی باشد.  
اقتصاد مقاومتی را هم فقط بندۀ نگفته‌ام؛ با فکر  
جمعی و عقل جمعی این برنامه تنظیم شده؛ بعد  
هم همه بدون استثنا - از موافق و مخالف - این  
برنامه را تأیید کرده‌اند و گفته‌اند تنها راه نجات  
کشور اقتصاد مقاومتی است. پس این شد یکی از  
سه اولویت اوّل.

## ۲-جهش علمی :

ما جهش علمی را نباید بگذاریم متوقف بشود.  
کشور اگر به علم پردازد و علم را پیش ببرد، آقا  
خواهد شد! به معنای واقعی کلمه: **العلم**  
سلطان (نیچ‌البلاغه ابن‌ابی‌الحید، ج ۲۰، ص ۳۱۹). اگر قدرت  
می‌خواهیم، اگر عزّت می‌خواهیم، اگر این را  
می‌خواهیم که ما مرجع مراجعات کشورها و  
دولت‌ها باشیم، نه اینکه آنها مرجع مراجعات ما  
باشند، باید علم را تقویت کنیم؛ و این ممکن است  
و این عملی است. بندۀ حدود چهارده پانزده سال  
قبل از این، مسئله علم را و عبور از مرزهای  
موجود علم را و ابتکار علمی را مطرح کردم؛ یک

علده‌ای گفتند نمی‌شود؛ بعضی‌ها آمدند در تلویزیون گفتند نمی‌شود. امروز ملاحظه می‌کنید که شده؛ همه اعتراف می‌کنند که شده. سرعت پیشرفت کشور از متوسّط سرعت پیشرفت علمی دنیا چندین برابر بیشتر بود؛ البته ما چون خیلی عقیبیم، این سرعت پیشرفت باید سال‌ها ادامه پیدا کند تا بررسیم به آن خطّ مقدم. لکن این سرعت بیشتر بود و الان کم شده؛ این کم شدن را هم من هشدار دادم اما یک عده‌ای اعتراض کردند. امروز یا دیروز در خبرها خواندم که وزیر علوم گفته که سرعت پیشرفت علمی کم شده؛ ببینید! این را ما شاید حدود شش هفت ماه قبل از این در صحبت‌مان گفتیم، بعضی‌ها هم خوش‌شان نیامد و اعتراض کردند! لکن الان وزیر علوم دارد می‌گوید که سرعت پیشرفت علم کم شده. نباید بگذاریم کم بشود! باستی پیشرفت علمی با جدیت تمام دنبال بشود! اگر پیشرفت علمی را ما دنبال کردیم، آن وقت اقتصاد دانش‌پایه - که سرمایه‌گذاری اش

اندک است اما فرآورده و محصولش بسیار زیاد است - در اختیار ما قرار خواهد گرفت.

### ۳- مصون‌سازی فرهنگی:

من حالا در مورد مصون‌سازی فرهنگی یک توضیحی عرض می‌کنم، بعد بیشتر توضیح خواهم داد؛ صحبت ما یک‌قدرتی هم طولانی می‌شود لکن تحمل بفرمایید. ما از لحظه فرهنگی باید کشور را، ملت را و جوانان را مصون‌سازی کنیم؛ این برنامه‌ریزی می‌خواهد. این هدف را اوّل باید قبول کنیم و به آن اعتقاد پیدا کنیم، بعد که اعتقاد پیدا کردیم برویم برنامه‌ریزی کنیم برای این کار. این کاری نیست که همین‌جوری به ما دست بدهد! با چند سخنرانی و نوشتمن کتاب هم حاصل نمی‌شود؛ این مصون‌سازی فرهنگی کار لازم دارد، برنامه لازم دارد!

محصول این کارهایی که عرض کردیم، اگر انجام دادیم، پیشرفت کشور خواهد بود. در درجه اوّل اگرچنانچه کشور این سه اولویت را - کارهای بعدی هم هست که باید انجام بگیرد اما در درجه

اوّل اين سه اولويت را - مورد ملاحظه قرار داد، پيشرفت خواهد كرد. مراد ما از پيشرفت، پيشرفت صوري نيست، پيشرفت حقيقي است. پيشرفت صوري اين است که يك رونق ظاهري به اقتصاد بدھيم، يك مقداری جنس وارد کنيم و زرق و برقى بدھيم؛ اين می‌شود پيشرفت صوري، اين فايده‌اي ندارد! اين ممکن است علی‌العجاله مردم را يك مقداری خشنود کند، اما در نهايٰت به ضرر کشور تمام خواهد شد! پيشرفت باید حقيقي باشد، عميق باشد و متکي به پايه‌ها و استوانه‌های محکم داخلی باشد؛ اين می‌شود پيشرفت! پيشرفت واقعی اين است!

ديروز شنيدم که اين فرمانده محترم سپاه (سردار امير على حاجي‌زاده فرمانده نيري هوا فضای سپاه) که در تلوزيون راجع به اين موشك‌ها و مانند اينها صحبت می‌كرده، گفته است که: اگر تمام اطراف کشور ما را هم حصار بکشند که هیچ‌چيزی وارد نشود و هیچ‌چيزی خارج نشود، ما در ساخت اين موشك‌ها دچار مشكل نمي‌شويم؛ اين يعني

پیشرفت! جوری بایستی حرکت بکنید که اگر چنانچه تحریم هم بکنند و فشار هم وارد بیاورند، پیشرفت شما متوقف نشود بلکه آن دشمن احساس کند که نیاز دارد بباید جلو! اگر بخواهیم این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی مان را حفظ کنیم، عزّت و هویت ملّی مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر اینها را رعایت بکنیم، این درست خواهد شد.<sup>۳</sup>

## ضرورت همراهی مجلس با دولت

من همیشه در طول سال‌های متمامدی در مجالس مختلف و دولت‌های مختلف، همیشه مجلس را به همراهی با دولت و کمک به دولت تشویق کرده‌ام؛ الان هم عقیده‌ام این است که مجلس بایستی به دولت کمک کند و راه را هموار کند برای اجرا؛ چون اجرا کار آسانی نیست، اجرا کار سختی است. البته قانون‌گذاری کار مهمی است لکن اجرا یعنی رفتن در سنگلاخ‌ها و بریدن موانع و عبور از موانع؛ کار آسانی نیست، باید همه به ایشان کمک کنند. متنها معنای این، آن نیست که مجلس از وظایيف قانونی خودش اغماض کند؛ نه! وظایيف قانونی مجلس بایستی کاملاً رعایت بشود. آن چيزهایی که در قانون واضح است، آن چيزهایی که در قانون وظیفه مجلس است - در قانون اساسی عمدتاً و در قانون عادی - مشخص است که چه چيزهایی است؛ اينها را باید کاملاً رعایت کنند و اغماض از آنها نکنند متنها بنيشان بر کمک به دولت و همراهی و همکاري با دولت باشد؛ اينها با هم منافاتی ندارند.<sup>۳</sup>

## تقویت درونی کشور

### راه دستیابی به عزت و سر بلندی

خب! راه درست این است که ما خودمان را در درون تقویت کنیم و استغنا پیدا کنیم. دنیا به کشوری که غنی باشد و قوی باشد، احترام می‌گذارد؛ مجبور است احترام بگذارد. اگر کشور ایران اسلامی قوی باشد و غنی باشد، همان کسانی که امروز دارند شاخ و شانه می‌کشند، همین‌ها می‌آیند پشت دروازه ما می‌ایستند و منت‌کشی می‌کنند. البته تا الان اتفاق نیفتاده؛ این رفت و آمد هایی که الان هست، هیچ معنای مثبتی تاکنون برای ما نداشته؛ حالا در آینده ممکن است داشته باشد - نمی‌دانم - اما تا الان این رفت و آمد هایی که وجود داشته، هیچ اثر نداشته! این را هم من باز به یکی دیگر از این آقایان رؤسایی که همین چندی پیش اینجا آمده بودند - آقای دکتر روحانی هم حضور داشتند - گفتم که باید روی زمین معلوم باشد؛ روی کاغذ فایده‌ای ندارد که بنشینید مذاکره کنید، تفاهم کنید سر یک

چیزهایی که بعد هم تحقق پیدا نکند و مشروطش  
کنید به موافقت فلان‌جا، باید روی زمین معلوم  
باشد که چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ چه کاری دارد  
انجام می‌گیرد؛ این تا حالا نشده! البته امیدواریم  
ان شاء الله با دنبال‌گیری‌ای که آقایان دارند می‌کنند،  
این کار تحقق پیدا کند. تجربه ۳۷ ساله جمهوری  
اسلامی نشان می‌دهد که ما باید خودمان را تقویت  
کنیم، قوی کنیم؛ از لحاظ فکری قوی کنیم، از  
لحاظ سیاسی قوی کنیم، از لحاظ اقتصادی قوی  
کنیم، از لحاظ فرهنگی قوی کنیم، از لحاظ علمی  
قوی کنیم. وقتی قوی شدیم، طبعاً عزّت پیدا  
خواهیم کرد؛ امروز عزّت یک ملت در دنیا به  
اینهاست.<sup>۳</sup>

## اتحاد، همدلی و همزبانی مسئولان کشور

وحدت ملّی یک مسئله است، که بحمد الله جمهوری اسلامی از اوّل انقلاب تا امروز از این امتیاز وحدت ملّی برخوردار بوده لکن یک چیزی در کنار وحدت ملّی وجود دارد و آن اتحاد و همزبانی و همدلی مسئولین کشور است؛ این خیلی چیز مهمی است. منافات هم ندارد با اختلاف سلیقه‌ها، با اختلاف دیدگاه‌ها. خب بله! هر کسی یک سلیقه‌ای دارد؛ ممکن است در فلان مسئله سیاسی، اقتصادی و غیره، جناب عالی نظری داشته باشید؛ برادرتان، دوست‌تان، همکارتان در دستگاه شما یا در دستگاه دیگر، نظر دیگری داشته باشد؛ این هیچ اشکالی ندارد. مهم این است که وحدت جهت، وحدت مسیر، وحدت هدف محفوظ بماند؛ آن است که شکل می‌دهد به اتحاد مسئولان، و درنهایت، به اتحاد ملّی؛ این خیلی چیز خوبی است. همین جلسه امروز ما، مظهر همین همزبانی و همدلی و همکاری و انس و الفت است؛ این را باید قدر دانست؛ ما این را مغتنم می‌شماریم.<sup>۷</sup>

## انتظار از اقدام و عمل

ما امسال گفتیم: «اقدام و عمل»؛ (اشاره به شعار سال: اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل) مراد ما از اقدام و عمل، این است که یک اقدام همه‌جانبه و فراگیر صورت بگیرد، به‌طوری که آخر سال بتوانیم گزارش بگیریم و دوستان گزارش بدھند که این چند کار، مثلاً این ده مورد انجام گرفت. فرض کنید در زمینهٔ مسئلهٔ تولید، این کارها انجام گرفت یا در مسئلهٔ تولید علم این کارها انجام گرفت، یا در مورد مثلاً فرض کنید که ارتباطات تجاری - بازرگانی خارجی، این اقدامات انجام گرفت؛ یعنی کارهای مشخص. و انتظار ما این است و اميدواریم ان شاء الله این کار انجام بگیرد.<sup>۷</sup>

## همفکری، همدلی مسئولان کشور

### در اهداف کلان نظام

بنده معتقدم که بدون همکاری، کارهای کشور پیش نخواهد رفت. ما تجربه زیادی کسب کردیم در طول این سی و چند سال؛ اگر مسئولان کشور در یک جهت، در یک هدف - که اهداف کلی است، اهداف اساسی است، اهداف انقلابی است - با هم، هم نظر باشند، اختلاف سلیقه‌ها در صدھا مسئله هم که وجود داشته باشد، ضرری نمی‌زند و کار پیش می‌رود؛ عمدۀ این است و این را ما می‌خواهیم، که خب! بحمدالله انسان احساس می‌کند که این در کشور وجود دارد؛ یعنی مسئولین قوا و مسئولان اساسی کشور، در اهداف کلان نظام با یکدیگر هم‌فکرند، همدلند، همنظرند؛ ولو حالا ممکن است سلاطیق در راه‌ها و روش‌ها و شیوه‌ها و مانند اینها مختلف باشد.

این هم یکی از برکات عید نوروز است که دور هم جمع بشویم؛ مثلاً ما آقای جهانگیری (معاون اول رئیس‌جمهور) را از کی تا حالا ندیده‌ایم؛ حالا امروز

الحمد لله به برکت عید نوروز مثلاً، ایشان را و  
دیگر دوستان را الحمد لله توانستیم زیارت کنیم؛  
اینها خیلی خوب است.<sup>۷</sup>

## نقش فرماندهی در تحقق اقتصاد مقاومتی

من یک فرصتی دارم در این دیدار که اولًاً تشکر کنم از زحماتی که دوستان دارند در بخش‌های مختلف می‌کشند، بخصوص در همین زمینه مسائل اقتصاد مقاومتی که حالا اسم آقای جهانگیری را آوردیم، و ایشان در نقش اداره‌کننده و فرماندهی قرارگاه این اقدام بزرگ، بناست نقش ایفا کنند.

بنده اصرار بر این معنا دارم که به معنای واقعی کلمه، فرماندهی صورت بگیرد؛ چون دستگاه‌ها، خب! سیاست‌هایی دارند، کارهایی دارند، کارهای متعارف و معمولی دارند؛ نقش فرماندهی این است که ملاحظه کند ببیند کدامیک از این کارها در چارچوب سیاست اقتصادی می‌گنجد، و کدام نسبت به اقتصاد مقاومتی بی‌تفاوت است، و کدام ضد اقتصاد مقاومتی است. اینها باید سنجیده بشود؛ آن دسته اول تقویت بشود؛ دسته دوم، حتی المقدور کشانده بشود به سمت اقتصاد مقاومتی؛ دسته سوم به‌طور کامل جلوگیری بشود.

يعنى اين انتظار است. خب! بنده خبر دارم که  
واقعاً آقایان کار می‌کنند و مشغولند؛ هم ايشان و  
هم همکارانشان؛ و باید تشگّر کنيم از اينکه اين  
کار را می‌کنند.<sup>۷</sup>

## توانمندی مرکز فرماندهی و قرارگاه

من البته احساس می‌کنم این مجموعه‌ای که در نظر گرفته شده، می‌تواند این کار را انجام بدهد. مجلس هم انشاءالله کمک می‌کند؛ دستگاه‌های دیگر هم هر کدام به نحوی می‌توانند نقش ایفا کنند؛ نهادهای انقلابی می‌توانند در این زمینه واقعاً نقش ایفا کنند. مهم است که این مرکزیت، مرکزیت فکر و عمل است؛ خصوصیت فرماندهی این است؛ یعنی هم فکر است، هم عمل؛ فقط یک ستاد هماهنگ‌کننده نیست بلکه مرکز فرماندهی است، قرارگاه است. ما در آن جلسه‌ای که این مسئله را بحث کردیم، فرق قرارگاه و ستاد را گفتیم: قرارگاه، مرکز فرماندهی عملیات است، مثل قرارگاه‌های نظامی؛ یعنی از دستگاه‌های مختلف بهره می‌گیرد برای اجرای آن هدفی که ترسیم شده. بنابراین هم مرکز فکر است و باید بنشینند فکر کنند، و هم مرکز عمل است؛ یعنی باید دستور داده بشود، پیگیری شود، نتایج کار دیده بشود؛ این کارها باید انشاءالله انجام بگیرد؛ انتظار ما این است و من کاملاً امیدوارم که انشاءالله این کار انجام بگیرد.<sup>۷</sup>

## جبران کمبودها با همت و مدیریت خوب

ما البته انتظاراتمان را خيلي بالا نمی‌بريم؛ من مى‌دانم موافع را، مشکلات را؛ کمبود اعتبارات يكى از مشکلات ما است، متنهای اين را باید جبران بکنيد؛ يعني نگاه کنيد ببینيد کجاها قابل صرفه‌جوبي کردن است، هرجا مى‌شود صرفه‌جوبي کرد، صرفه‌جوبي کنيد و مبلغ صرفه‌جوبي شده را صرف آنجايی بکنيد که خلا در آنجا وجود دارد. ما کارهای زيادي داريم که پول هم خرجش مى‌شود و قابل صرفه‌جوبي هم هست. بنابراین کمبود منابع را جبران کنيد. حالا دستگاهها ممکن است يك مقداري هم با سختی مواجه بشوند لکن اگر انساء الله کار با همت انجام بگيرد و مدیریت خوب بشود، کار، عملی است.<sup>۷</sup>

## ضرورت تمرکز فرماندهی و اجرا

بنده معتقدم ما از لحاظ مدیریت هم کمبود نداریم؛ ما انصافاً مدیران خیلی خوبی در کشور داریم. بنده خب! سال‌ها تجربه دارم؛ من هم در دولت بودم، هم در بیرون دولت ناظر دولت‌های مختلف بودم؛ ما حقاً و انصافاً مدیران زبده‌ای داریم؛ هم از لحاظ انگیزه مدیریت‌شان خوب است، هم از لحاظ فکر اهل مدیریت‌اند، هم از لحاظ عمل اهل مدیریت‌اند. ما مدیر کم نداریم؛ ما پیگیری و تمرکز لازم داریم، که عمدۀ تمرکز است؛ تمرکز تصمیم‌گیری، تمرکز فرماندهی، تمرکز اجرا.<sup>۷</sup>

## ورود معاون اوّل با اختیارات کامل و تمام

من به آقای رئیس‌جمهور محترممان هم گفتم: خب! رئیس‌جمهور خیلی کار دارد؛ از دور که افراد نگاه می‌کنند، ملتفت نمی‌شوند به گستره کارها و فعالیت‌هایی که یک رئیس‌جمهور باید انجام بدهد؛ اداره کشور از جهات مختلف کار آسانی نیست، کار بسیار سختی است. زمان حیات مبارک امام ره بعضی‌ها به ایشان مراجعه می‌کردند، از یک چیزهایی، یک اموری، گاهی اوقات به ایشان شکایت می‌کردند، که آقا فلان‌جا مثلاً فلان‌چیز این‌جوری شده. مکرر ایشان در جواب می‌گفتند: آقا! اداره کشور کار سختی است! واقعاً هم همین‌طور است؛ ما خودمان اداره کشور را تجربه کرده‌ایم؛ واقعاً کار سختی است، کار آسانی نیست. بنابراین، اشتغالات رئیس‌جمهور زیاد است. معاون اوّل که جایگاه برجسته و ممتازی است، می‌تواند در این زمینه‌ها با اختیارات کامل و تمام، انشاء‌الله خوب وارد بشود. انتظار ما این است، یعنی ما می‌خواهیم که این کار انجام شود.<sup>۷</sup>

## دفاع جدی از منافع ملی

بنده از هر اقدامی که چه دولت، چه مجلس شورای اسلامی درجهٔ منافع مردم و گشایش امور مردم انجام بدهند، جدّاً دفاع می‌کنم و از آن حمایت می‌کنم. مهم این است که انسان احساس کند کاری دارد انجام می‌گیرد که برای منافع ملّی مفید و لازم است؛ اگر بنده در مورد هر موضوعی - چه آنچه مربوط به قوّه مجریه است، چه آنچه مربوط به قوّه مقتنّه است، همچنین قوّه قضائیه - احساس کنم کاری دارد انجام می‌گیرد که در خدمت مردم و برای مردم است، جدّاً دفاع خواهم کرد؛ از همه نیرو و توانی که در این بنده ناچیز وجود دارد استفاده خواهم کرد برای حمایت از این کاری که به نفع مردم و برای رفع مشکلات مردم است.<sup>۷</sup>

## خود اتكايني و عدم اعتماد به آمريكا

عمده اين است که ما به خودمان اتكاء کنيم؛  
اساس کار اين است. ما باید به خودمان اتكاء کنيم؛  
به ديگران نمي شود اتكاء کرد، به بيگانگان  
نمي شود اتكاء کرد، نمي شود اعتماد کرد. من مکرر  
در دوران همين مذاكرات هسته‌اي - شايد چهار  
پنج مرتبه يا بيشتر - گفتم به آمريكيائي‌ها نمي شود  
اعتماد کرد. (ازجمله، بيانات در ديدار اقشار مختلف مردم؛  
۱۳۹۴/۶/۱۸) حالا هم ملاحظه مى‌کنيد و مى‌بینيد؛  
حرف‌هایی که می‌زنند، اظهاراتی که می‌کنند و  
عملکردي که نشان می‌دهند، کاملاً امضای آن  
حرفی است که بنده آن وقت می‌زدم؛ يعني واقعاً  
نمي شود به اينها اعتماد کرد. البته آمريكيائي‌ها  
به عنوان نماد بداخلاني و بداياني هستند فقط آنها  
هم نيستند، ديگرانی هم هستند که همين جور بد  
آدا و بداخلاني و بذرفتارند؛ بالاخره نمي شود به  
آنها اعتماد کرد. ما باید به خودمان اعتماد کنيم، به  
خودمان تکيه کنيم و بدانيم مى‌توانيم و بدانيم که  
خدای متعال هم کمک مى‌کند.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: «فَلَمّا رأى الله صِدقَنا أَنَزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ وَأَنَزَلَ بَعْدُونَا الْكَبَت»؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۶) وقتی ما صادقانه وارد میدان می‌شویم و حرکت می‌کنیم، خدای متعال نصرت را به ما قطعاً خواهد داد. خب! زندگی فرازونشیب دارد؛ زندگی فردی هم فرازونشیب دارد، چه بررسد به زندگی اجتماعی و زندگی یک ملت. یک جاهایی انسان دچار مشکل می‌شود، یک جاهایی دچار نا亨جری و شرایط نامطلوب می‌شود، یک جاهایی هم انسان مواجه با گشایش می‌شود؛ همه‌جورش هست. عمدۀ این است که ما آن خطّ مستقیم را و صراط مستقیم را ان‌شاء‌الله دنبال کنیم و پیش برویم.<sup>۷</sup>

## توليد داخلی

### کلید اساسی کارها

من روی مسئله تولید تکيه می‌کنم. مسئله تولید داخلی را باید خيلي جدی گرفت؛ يعني کلید اساسی کارها، مسئله تولید داخلی است. در هر دو بخش، هم بخش وزارت‌خانه صنعتی و بازرگانی و هم وزارت کشاورزی، باید مسئله تولید را جدی گرفت. ان شاء الله خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد.<sup>۷</sup>

## لزوم افزایش توان عملیاتی نیروهای مسلح

با افزایش توان عملیاتی نیروهای مسلح که مجموعه‌ای از سازماندهی، تجهیزات، آموزش و پشتیبانی است، در کنار ارتقای توانایی‌های معنوی که فراتر از واجبات و مستحبات دینی است و باید در اعماق قلب نیروها بوجود آید، نیروهای مسلح احساس قدرت واقعی بدست خواهند آورد.<sup>۸</sup>

## تقویت توان عملیاتی و انگیزه‌های معنوی

در نظام جمهوری اسلامی، وظیفه اصلی نیروهای مسلح، دفاع از مرزهای امنیت ملی است. بنابراین، باید توان عملیاتی و انگیزه‌های معنوی <sup>۸</sup> این نیروها روز به روز تقویت شود.

## ضرورت تقویت هویت منحصر به فرد

### نیروهای مسلح ایران

تنها نیروی مسلح جهان که هم «مکتبی» است و انگیزه‌های معنوی دارد و هم «کارایی» دارد و در کشوری برخوردار از «استقلال سیاسی» عمل می‌کند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند. ... نظامی‌گری در جمهوری اسلامی ایران، نه یک جایگاه تشریفاتی و زینتی است و نه یک عملیات بی مهار، بی منطق، بی ملاحظه و بی جهت. ... نیروهای مسلح برای شخص خاص و یا برای حزب و جناح خاصی نیستند بلکه مربوط به همه ملت و کشور هستند و باید حصار امن مردم و مدافع امنیت ملی و عمومی باشند.<sup>۸</sup>

## راه مقابله با حرکت تضعیف کننده

### تفکر و روحیه انقلابی

مجموعه‌های دست اندرکار حوزه به ویژه مجمع نمایندگان طلاب حوزه علمیه قم می‌توانند با گسترش برنامه ریزی شده ارتباط منظم و محتوایی با بدنۀ حوزه، تشکیل گروه‌های فکری برای دستیابی به راه‌های صحیح ترویج تفکرات انقلابی، شناسایی و حل مشکلات و شباهات ذهنی طلاب در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند. ... با این نگاه و با برنامه ریزی لازم و در پرتو فضل الهی صدها مدرس موفق و انقلابی تربیت می‌شوند و با تکیه بر رابطه قلبی و معنوی طلاب و مدرسین، در حوزه‌های علمیه، تفکر و روحیه انقلابی هرچه بیشتر ترویج خواهد شد. ... با وجود برخی پدیده‌های نامطلوب در گوشۀ و کnar، جهت‌گیری کلی حرکت کشور، خوب و رو به پیشرفت است و افق آینده به لطف پروردگار در همه زمینه‌ها روشن است.<sup>۱۱</sup>

## ضرورت انقلابی بودن حوزه علمیه

حوزه علمیه قم باید همچنان یک «حوزه انقلابی و مهد انقلاب» باقی بماند و رسیدن به این هدف نیازمند اندیشه، تدبیر و برنامه ریزی دقیق است... اگر بخواهیم نظام اسلامی همچنان «اسلامی و انقلابی» بماند باید حوزه علمیه، «انقلابی» بماند زیرا اگر حوزه علمیه انقلابی نماند، نظام در خطر «انحراف از انقلاب» قرار خواهد گرفت.<sup>۱۱</sup>

## احساس خطر از انقلاب زدایی

باید با فکر و تدبیر و برنامه ریزی حکمت آمیز، با این خطر مقابله کرد تا حوزه علمیه قم همواره یک حوزه انقلابی و مهد انقلاب باقی بماند و بینش و حرکت انقلابی در آن توسعه یابد. ... گاه به صراحة با اصل انقلاب مخالفت می شود اما گاهی غیرمستقیم با مبانی و مبادی اعتقادی انقلاب مخالفت می شود که باید در این زمینه حساس بود و تأکید مکرر بر ضرورت هوشیاری در مقابل استکبار و امریکا به همین علت است.<sup>۱۱</sup>

## اولویت‌بندی و جهت‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها

### اقتصاد

#### اولویت اول

به گمان من مسئله اقتصاد در اولویت اول است. یعنی وقتی انسان نگاه می‌کند، در میان مسائل اولویت‌دار، از همه فوری‌تر و نزدیک‌تر، مسئله اقتصاد است. اگر به توفیق الهی، هم ملت و هم دولت و مسئولان گوناگون، بتوانند در مسئله اقتصاد کارهای درست و بجا و متقن را انجام دهند، امید این هست که در مسائل دیگر، مثل مسائل اجتماعی، مثل آسیب‌های اجتماعی، مثل مسائل اخلاقی، مثل مسائل فرهنگی هم تأثیرگذار باشند.

در مسئله اقتصاد، آن چیزی که مهم است و اصل است، مسئله تولید داخلی است؛ مسئله ایجاد اشتغال و رفع بیکاری است؛ مسئله تحرک و رونق اقتصادی و مقابله با رکود است؛ اینها مسائل مبتلا به مردم است؛ اینها چیزهایی است که مردم آنها را حس می‌کنند و مطالبه می‌کنند؛ و آمارها

و اظهارات خود مسئولین هم نشان می‌دهد که  
این مطالبات مردم و این خواسته‌های مردم بجا و  
به مورد است.<sup>۴</sup>

# تدابیر سیاسی و اجتماعی

- دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن
- افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی
- اهمیت و سلامت انتخابات
- اقتدار ملی
- نقش عناصر مذهبی و سیاسی در هدایت جامعه

## دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

### هشیاری نسبت به سیاست‌های اهربیمنی

### دشمنان نظام اسلامی

خیلی خوش آمدید آقایان محترم، برادران عزیز!

اولاً ایام شهادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را به

همه شما برادران عزیز که شاگردان آن مکتب

هستید، تسلیت عرض می‌کنم. یک نکته را در

همین زمینه عرض بکنم: توجه بشود در ایام

فاطمیه، به مناسبت ذکر مناقب آن بزرگوار، ذکر

شهادت آن بزرگوار، مسائل اختلاف افکن مطرح نشود. امروز سیاست‌های مُدھش (هراس‌انگیز) و اهربینی بین‌المللی جدأ در صدد این است که بین شیعه و سنّی اختلاف بیندازد. امروز جنگ‌هایی در منطقه هست؛ من به شما عرض می‌کنم که هیچ کدام از این جنگ‌ها جنگ اعتقادی نیست؛ جنگ‌های سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون سیاسی و قومی و مانند اینهاست و ربطی به مذهب ندارد، لکن دشمن یعنی آمریکا، یعنی صهیونیست، یعنی انگلیس سعی می‌کند این دعواها را، این اختلاف‌ها را تبدیل کنند به اختلاف مذهبی؛ چون می‌دانید که اختلاف مذهبی به این آسانی‌ها تمام‌شدنی نیست. ما نباید به این هدف کمک کنیم. ما امروز در کنار خود، از برادران اهل سنت کسانی را داریم که با ما و همراه ما دارند در دفاع از حرم اهل‌بیت می‌جنگند و کشته می‌دهند، شهید می‌دهند. خانواده‌هایی از شهدای مدافع حرم پیش من آمدند که در بیان چند خانواده سنّی بودند.

خب! این برادر اهل سنت که برای دفاع از حرم  
حضرت زینب یا حرم امیرالمؤمنین یا حرم  
سیدالشہدا جوان خودش را گسیل می کند به جبهه،  
بعد هم که پیش ما می آید، به جای اظهار تأسف،  
به جای اظهار غم و اندوه یا گلایه و شکایت، ابراز  
افتخار می کند که پسر من در این راه شهید شده،  
این را ما باید برنجانیم؟! این را ما باید کاری کنیم  
که از ما دور بشود؟!

اینها نکات مهمی است، اینها نکات اساسی ای  
است. امروز جزو اولویت‌های اصلی جامعه  
روحانیت این است که نگذارند کاری را که آمریکا  
دارد با زحمت انجام می‌دهد، صهیونیست‌ها دارند  
با زحمت انجام می‌دهند، ما به سهولت این کار را  
برای آنها انجام بدهیم! این را توجه داشته باشید!  
در سیستان و بلوچستان علمای اهل سنت مردم را  
تشویق کردند به انتخابات؛ این گروه‌های تکفیری  
آنها را الان دارند تهدید می‌کنند که شما چرا کمک  
کردید به انتخابات؟ چون آنها تشویق کردند.  
گروه‌های تکفیری فقط دشمن شیعه نیستند، دشمن

نظام اسلامی‌اند، دشمن هر کسی هستند که به نظام اسلامی کمک کند؛ به اینها باید توجه داشت. البته ما بارها این را عرض کردیم که گفتن تاریخ، با رعایت موازین، با رعایت ادب، با رعایت جهات مهم مصلحتی اشکالی ندارد، لکن جلوگیری از ایجاد اختلاف، ایجاد بغض، از جمله چیزهایی است که امروز خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد.<sup>۳</sup>

## خیانت کشورهای غربی

### پیش از انقلاب

غرب، کشورهای غربی، از اواسط دوران قاجار، علیه کشور ما فعالیت‌هایشان را شروع کردند؛ ضعف سلاطین قاجار موجب شد اینها دائماً همین‌طور امتیاز بگیرند، مدام فشار بیاورند، مدام دایره زندگی ما را تنگ کنند و پیشرفت‌های ما را متوقف کنند. بعد به این نتیجه رسیدند که باید یک نفر از خودشان را بیاورند، که آوردنده؛ رضاخان از خودشان بود. حالا بعضی‌ها همین را هم دارند خدشه می‌کنند و می‌گویند رضاخان را انگلیس‌ها نیاورده‌اند؛ یک امر به این وضوح را که خودهایشان اقرار کردند، تکرار کردند، خود انگلیس‌ها گفتند، خود مسئولان حکومت طاغوت این را مکرر گفتند، اما اینها دارند انکار می‌کنند!! واقع قضیه این است که رضاخان را آوردنده، بعد که احساس کردند ممکن است آن‌چنان‌که مایلند در مشتشان نچرخد، او را برداشتند و پرسش را گذاشتند. بعد که باز از درون کشور یک حرکتی به عنوان نهضت

ملّی شروع شد، سرکوب کردند و بیست و هشتم مرداد را به وجود آوردند. بعد از بیست و هشتم مرداد، دستگاه جهنّمی ساواک را به وجود آوردند. اینها را غربی‌ها کردند، اینها را همین انگلیس‌ها کردند! بعد از انگلیس‌ها نوبت آمریکایی‌ها بود! کشاورزی کشور را نابود کردند، پیشرفت علمی کشور را متوقف کردند، مغزهای فعال را دزدیدند و بردندها یا متوقف کردند، طبقه جوان را به فساد و لالبالی‌گری و اعتیاد و مشروب‌خواری و مانند اینها کشاندند؛ این کارهایی است که غرب در کشور ما کرده! نمی‌گوییم ماهای بی‌تقصیر بودیم، اما اداره کار و تدبیر کار دست آنها بوده است و آنها کرده‌اند. تقصیر ما این است که ما در صدد علاج برنيامدیم، در صدد مقاومت برنيامدیم. امروز هم اگر مقاومت نکنیم، همان آش است و همان کاسه؛ باز هم همین خواهد شد.<sup>۳</sup>

## خیانت کشورهای غربی

### بعد از انقلاب

بعد، انقلاب اسلامی رخ داد؛ از روز اوّلی که انقلاب رخ داد غرب شروع کرد با ما مخالفت کردن. نه فقط مخالفت بلکه بنا کرد معارضه کردن! به صدّام اینها کمک کردند، به ضدّ انقلاب‌ها در بخش‌های مرزی کشور اینها کمک کردند؛ هم پول دادند، هم سلاح دادند، هم کمک سیاسی و فکری کردند. علیه انقلاب و دستگاه انقلاب و شخص امام راحل الله‌بپرورد و مسئولین انقلابی اینها بودند که شایعه‌پراکنی کردند، لجن‌پراکنی کردند و دشمنی کردند. در جنگ هرچه توانستند به صدّام کمک کردند؛ بمباران شهرهای ما به وسیله صدّام انجام گرفت اما با پشتیبانی آنها؛ اگر آنها نبودند صدّام نمیتوانست این کار را انجام بدهد. سلاح شیمیایی را آنها به صدّام دادند، موشک را آنها دادند، میراژ را آنها دادند، برنامه‌های جنگی را آنها برایش تنظیم کردند، این صحنه‌های جنگ به وسیله آنها طراحی شد، عکس‌های هوایی از رفت و آمد های سربازهای

ما را آمریکایی‌ها به عراق و به صدام دادند؛ با ما این جوری رفتار کردند. بعد هم که جنگ تمام شد، تحریم‌ها را آنها بر ما تحمیل کردند. ما با اینها مخالفتی و دشمنی‌ای نکردیم؛ خود ما یک بنائی را گذاشتیم و گفتم ما به این بنا وفاداریم؛ اینها برای اینکه ما این بنا را گذاشتیم و مستقل از آنها است و تابع آنها نیست شروع کردند با ما دشمنی کردن.

چه کار کنیم ما؟!؟<sup>۳</sup>

## اهداف آماجی نفوذ

بنده در قبل از انتخابات مسئله نفوذ را مطرح کردم؛ آقایان! این نفوذ مسئله مهم‌ی است! نفوذ مسئله مهم‌ی است بنده هم که این را عرض می‌کنم نه به خاطر این است که حالا یک احتمالی به ذهنم می‌آید که ممکن است نفوذ کنند؛ نه! ما از خیلی چیزها مطلعیم؛ از خیلی حوادثی که دارد در کشور رخ می‌دهد که غالباً عموم مردم یا حتی خیلی از خواص مطلع نمی‌شوند ما مطلع می‌شویم. من از روی اطلاع دارم عرض می‌کنم که برنامه نفوذ در کشور، یک برنامه جدی استکبار است، برنامه جدی آمریکایی‌ها است! دارند دنبال می‌کنند که نفوذ کنند! اشتباه نشود! این نفوذ برای این نیست که از یک جایی کودتا بشود؛ نه، می‌دانند که در ایران، در جمهوری اسلامی، با ساختی که جمهوری اسلامی دارد، کودتا معنی ندارد. یک جاهایی یک وقت داخل فلان نیروی مسلح نفوذ می‌کنند برای اینکه بیایند کودتا کنند، یکی را ببرند،

یکی را بیاورند؛ نه! این نفوذ برای کودتا نیست،  
این نفوذ برای دو منظور دیگر است:

### ۱- آماج مسئولان :

یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوّم  
مردمند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟  
هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات  
مسئولان را عوض کنند و تغییر بدھند؛ یعنی  
مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با  
مالحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این  
اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این  
است به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع  
کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است  
که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود!  
آن وقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و  
اراده مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر  
لازم نیست دشمن باید دخالت مستقیم بکند؛ نه،  
مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او  
می‌خواهد!! وقتی محاسبه این حقیر عوض شد،  
تصمیمی را می‌گیرم که او می‌خواهد؛ من همان

کاری را که او می‌خواهد مفت و مجّانی انجام می‌دهم! گاهی بدون اینکه خودم بدانم - یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم - این کار را انجام می‌دهم. بنابراین سعی می‌کنند محاسبات مسئولین را عوض کنند. پس آماج اول مسئولین هستند.

## ۲-آماج مردم :

باورهای مردم باید عوض بشود! باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها جایگزین شود. اینها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد.

می‌خواهند باور به استقلال را عوض کنند. بعضی‌ها البته ناشیگری می‌کنند؛ می‌بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه‌شده می‌دانند و می‌گویند: امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست! یعنی چه؟! یعنی در نقشه جغرافیای جهانی

یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می‌گیرد و همه عمل می‌کنند - مثل حرارت مرکزی - یک جایی یک چیزی تولید می‌کند، بقیه مصرف می‌کنند. این را دارند ترویج می‌کنند! نفوذ یعنی این!! البته این کاری است که دارد انجام می‌گیرد.

یکی از چیزهایی که نفوذ در باورهای مردم هدف قرار می‌گیرد این است که خیانت‌های غرب را فراموش کنند. آقایان! ما از غرب صدمه دیده‌ایم!! در تبلیغات جهانی تکیه می‌کنند روی اینکه چرا در جمهوری اسلامی، بعضی‌ها - گاهی هم اسم بندۀ را بالخصوص می‌آورند. با غرب مخالفند؟ چرا با آمریکا مخالفند؟ باید فراموش نکنیم که غرب با ما چه کرده؟ من طرفدار قطع رابطه با غرب نیستم - حالا این را هم عرض خواهم کرد - این را همه می‌دانند. من هشت سال رئیس جمهور بودم، با همین کشورها و با همین رؤسای جمهور نشسته‌ام، برخاسته‌ام و صحبت کرده‌ام. الان هم همین جور است؛ الان هم از جمله برنامه‌های میهمان‌های آقای رئیس جمهور، ملاقات

با بنده است. در حرف‌ها هم که با همدیگر فحش و فحش‌کاری نمی‌کنیم؛ حرف می‌زنیم و تفاهم می‌کنیم. ما مخالف ارتباط با غرب نیستیم اماً مسئله این است که بدانیم با چه کسی داریم تعامل می‌کنیم و بدانیم طرف ما چه کسی است؟!<sup>۳</sup>

## برنامه‌ریزی دشمنان

### برای انواع روش‌های نفوذ

الان هم شروع کرده‌اند و برنامه‌ریزی کرده‌اند  
برای نفوذ؛ انواع و اقسام طُرق را — من محاسبه  
می‌کرم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را  
— برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل  
می‌کنند؛ همین حالا دارند عمل می‌کنند.

یکی اش راه علمی است؛ از طریق ارتباط با  
دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد،  
ارتباط با دانشجو — کنفرانس‌های به‌ظاهر علمی  
ولی در باطن برای نفوذ — افراد امنیتی را اینجا  
می‌فرستند؛ این یکی از راه‌ها است. یکی از راه‌ها،  
راه‌های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم  
دستگاه‌های امنیتی را به‌عنوان یک فرد صاحب‌هنر  
برای، فرض کنید، جشنواره موسیقی معین می‌کنند  
که بفرستند؛ که البته خوشبختانه وزارت اطلاعات  
فهمید، زودتر جلویش را گرفت. یعنی به‌عنوان  
حضور در یک جشنواره هنری — مثلاً جشنواره  
موسیقی — کسی را انتخاب می‌کنند که این آدم،

صدرصد سیاسی و امنیتی است؛ به عنوان فرد هنری اینجا می‌فرستند. خب! برای چه می‌فرستند؟! نفوذ اقتصادی یکی از راههای دیگر است. انواع و اقسام گوناگون، راههای نفوذ دارند؛ ما بایستی مراقب باشیم! باید مواظب باشیم!<sup>۳</sup>

## ضرورت ایستادگی در برابر دشمن‌ها

من می‌بینم بعضی از برادران ما گاهی اوقات می‌گویند که: ما باید با همه دنیا رابطه داشته باشیم؛ خب! بله، با همه دنیا – البته منهای آمریکا و رژیم صهیونیستی – باید رابطه داشته باشیم؛ ما مشکلی نداریم. اولًاً همه دنیا فقط اروپا و فقط غرب نیست؛ در همین حدود چهار سال قبل از این و در همین شهر تهران، مگر اجلاسی تشکیل نشد که بیش از ۱۳۰ یا ۱۴۰ کشور در آن شرکت کردند؟ حدود چهل یا بیشتر رئیس دولت و رئیس کشور شرکت کردند؛ از همه جا آمدند اینجا و در اجلاس غیر متعهدّها شرکت کردند. (شانزدهمین دوره نشست جنبش غیر متعهدّها که از ۵ تا ۱۰ شهریور سال ۱۳۹۱ در تهران برگزار شد). ما مشکلی نداریم با اینها؛ دنیا که فقط اروپا نیست! دنیا جای وسیعی است. قدرت‌ها هم امروز در دنیا پخش شده و تقسیم شده؛ شرق دنیا – یعنی منطقه آسیا – امروز مرکز یک قدرت عظیمی است. ما با اینها ارتباط داریم؛ ما حرفی نداریم. با اروپا هم ما مشکلی نداریم، اروپایی‌ها با ما مشکل ایجاد کرده‌اند. بنده به یکی از این رؤسای اروپایی که اخیراً اینجا آمده بود

گفتم که اروپا باید خودش را از تبعیت آمریکا در سیاست‌هایش نجات بدهد. اروپایی‌ها تبعیت از سیاست آمریکا کردند؛ او ما را تحریم کرد، اینها هم تبعیت کردند؛ او علیه ما تبلیغات کرد، اینها هم تبعیت کردند. خب، ما چه کار کنیم؟ در قضایای مختلف، اروپایی‌ها بودند که ابتدای به دشمنی کردند. سر قضیه آن فهوه‌خانه می‌کونوس، رئیس‌جمهور وقت ما را متهم کردند و به دادگاه می‌خواستند بکشانند! اسمش را به عنوان متهم در دادگاه مطرح کردند! خب چه کار کنیم ما با اینها؟! برویم التماس کنیم؟! برویم بگوییم: آقا با ما بهتر از این باشد؟! ما کاری نکردیم با اینها! اینها هستند که دشمنی می‌کنند! اگر ما در مقابل دشمنی دشمنانمان با شجاعت و با اقتدار نایستیم، ما را خواهند خورد! خواهند بلعید! «ما» که می‌گوییم، یعنی کشور را، یعنی ملت را؛ وَالا شخص بنده و امثال بنده که اهمیتی نداریم؛ کشور را خواهند بلعید. ما مسئول کشوریم. مسئول ملتیم، مسئول تاریخیم؛ نباید اجازه بدھیم. خب! بنابراین، اینها رفتارشان با ما این جوری بوده!<sup>۳</sup>

## تزریق تفکر ایران بر سر دو راهی

در این مقطع زمانی، سیاست‌های استکبار و بخصوص و به‌طور خاص سیاست‌های آمریکا اقتضا می‌کند که یک تفکری تزریق بشود در میان ملت ما؛ اوّل در میان نخبگان جامعه و بعد از آن بتدریج به افکار عمومی منتقل بشود؛ یک تفکر خاصی تزریق بشود به افکار عمومی. آن سیاستی که مورد نظر آنها است این است که وانمود کنند ملت ایران بر سر یک دوراهی قرار دارد و چاره‌ای ندارد جز اینکه یکی از این دو راه را انتخاب کند. آن دوراهی عبارت است از اینکه یا باید با آمریکا کنار بیایند، یا باید به‌طور دائم فشارهای آمریکا و مشکلات ناشی از آن را تحمل کنند؛ یکی از این دو را ملت ایران باید انتخاب کند؛ این چیزی است که آنها می‌خواهند. البته کنار آمدن با آمریکا به معنای کنار آمدن با هیچ دولت دیگری نیست. چون دولت آمریکا دارای ثروت، دارای دستگاه‌های تبلیغاتی وسیع، دارای سلاح‌های خطرناک و دارای امکانات بسیاری است، کنار

آمدن با دولت آمریکا ناگزیر، به معنای قبول تحمیل‌های آن دولت است. طبیعت توافق با آمریکا همین است؛ همه‌جا همین‌جور است؛ کشورهای دیگر هم که در هر مسئله‌ای با آمریکا توافق می‌کنند، معناش این است که از مواضع خودشان به‌نفع طرف مقابل عقب‌نشینی می‌کنند بدون اینکه طرف مقابل به‌نفع آنها یک عقب‌نشینی قابل توجهی انجام بدهد. در همین توافق اخیر هسته‌ای هم اگرچه این توافق را ما تأیید کردیم و برگزارکنندگان این توافق را مورد قبول اعلام کردیم و قبول داریم آنها را، لکن اینجا هم همین‌جور بود؛ وزیر خارجه محترم ما در مواردی به بنده گفت که ما مثلاً اینجا را یا این خط قرمز را دیگر نتوانستیم حفظ کنیم. معنای این همین است؛ یعنی وقتی طرف مقابل یک دولتی مثل آمریکا است که وسایل تبلیغ دارد، امکانات دارد، پول دارد، دیپلماسی فعال دارد، عوامل گوناگونی در اطراف دنیا دارد، دولتهایی که به آنها فشار می‌آورد در اختیارش هستند، کنار آمدن با او

به معنای صرف نظر کردن از برخی از چیزهایی است که انسان بر آنها پای می‌فرشد. این یک دوراهی است که طبق سیاست‌های آمریکا که می‌خواهد در ذهن ملت ما تزریق بکنند، یک دوراهی ناگزیر است؛ یک دوگانه اجتناب‌ناپذیر است: یا باید در مقابل آمریکا و خواست‌های او در موارد بسیاری کوتاه بیاییم، یا باید فشارهای آمریکا را، تهدیدهای آمریکا را، ضررهای ناشی از مخالفت با آمریکا را تحمل کنیم. اینها می‌خواهند این را به صورت یک گفتمانی در بین نخبگان جامعه ترویج کنند و بتدریج آن را در میان مردم و افکار عمومی سرریز کنند. در داخل کشور و خارج کشور، این فکر را دارند ترویج می‌کنند و به شکل‌های گوناگونی، با بیان‌های مختلفی، در وسائل ارتباط جمعی دنیا دارند گسترش می‌دهند؛ کسانی را می‌گمارند برای اینکه بتوانند این فکر را در میان ملت ما گسترش بدهند. البته در داخل هم همین طور که عرض کردیم، کسانی هستند که این فکر را قبول دارند و قبول کرده‌اند و تلاش می‌کنند که آن را به دیگران هم بقبولانند.<sup>۴</sup>

## اهداف آمریکا از توافق

### ۱- فرو نشاندن جنجال‌های ضد آمریکایی:

درست توجه کنید تا من توضیح بدهم؛ من حرف طرف مقابل را بگویم، بعد آنچه را اقتضای حق و حقیقت است بیان کنم. حرف طرف مقابل یعنی همان دستگاه تبلیغاتی و فکرساز و جریان‌ساز، این است که می‌گوید ایران دارای ظرفیت‌های فراوان اقتصادی است و هدف از توافق هسته‌ای این بود که کشور ایران بتواند از این ظرفیت‌ها استفاده کند؛ خب! این توافق انجام گرفت لکن این توافق کافی نیست و مسائل دیگری هم هست که در آنها هم بایستی ملت ایران، دولت ایران، مسئولین ایران تصمیم بگیرند و اقدام بکنند؛ مثلاً فرض بفرمایید امروز در منطقه غرب آسیا - یعنی همین منطقه‌ای که غربی‌ها به آن می‌گویند خاورمیانه - جنجال‌ها و آشفتگی‌های بسیاری هست؛ خب! این مشکل برای کلّ منطقه است و اگر می‌خواهید کشور شما از این مشکل نجات پیدا کند، باید سعی کنید این جنجال‌ها فرو

بنشینند. چه کار کنیم؟ با آمریکا همکاری کنیم، همفکری کنیم، جلسه کنیم، بنشینیم، گفتگو کنیم و یک مدلی را طبق میل آمریکایی‌ها یا طبق توافق آمریکایی‌ها انتخاب کنیم.

## ۲- عبور از خطوط قرمز و اصول :

یا ما مشکلات دیگری داریم، اختلافات زیادی با آمریکا داریم، این اختلافات را باید حل کنیم، این اختلافات بایستی تمام بشود؛ حالا در حل این اختلافات، فرض بفرمایید که ملت ایران مجبور باشد از اصول خود صرف نظر کند، از خط قرمزهای خود هم صرف نظر کند، بکند؛ طرف مقابل از اصول خود و ارزش‌های خود تنازل نمی‌کند لکن اگر لازم شد، ما باید تنازل کنیم تا مشکلات را برطرف کنیم؛ تا در نتیجه کشور بتواند از ظرفیت‌های خود استفاده کند و مثلاً به یک اقتصاد برجسته‌ای مبدل بشود. حرفشان این است! بنابراین، در قضیه هسته‌ای توافق شد و اسم این را گذاشتیم «برجام»؛ برجام دیگری در قضایای منطقه، برجام دیگری در قضایای قانون اساسی

کشور؛ برجام ۲ و ۳ و ۴ و الی غیرذلک بایستی به وجود بیاید تا ما بتوانیم راحت زندگی کنیم. این منطقی است که سعی می‌کنند این منطق را در بین نخبگان جامعه و از سوی نخبگان جامعه به افکار عمومی جامعه منتقل کنند. معنای این حرف چیست؟ معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائل اساسی‌ای که به حکم اسلام و به حکم بر جستگی‌های نظام جمهوری اسلامی پاییند به آنها است، صرف‌نظر کند: از مسئله فلسطین صرف‌نظر کند، از حمایت از مقاومت در منطقه صرف‌نظر کند، از مظلومان منطقه - مثل ملت فلسطین، مثل مردم غزه، مثل مردم یمن، مثل مردم بحرین - پشتیبانی و حمایت سیاسی نکند، و نظام جمهوری اسلامی با تعديل خواسته‌های خود، خود را به آنچه طرف مقابل یعنی آمریکا به دنبال تحقّق آن است، نزدیک بکنند. معنای این حرف این است که همچنان‌که امروز بعضی از کشورهای منطقه و دولت‌های منطقه، علی‌رغم حکم اسلام و علی‌رغم خواست ملت‌هایشان با رژیم صهیونیستی کنار

آمده‌اند و مسئله فلسطین را تحت الشّعاع مسائل دیگر قرار داده‌اند، جمهوری اسلامی هم به همین ترتیب عمل کند؛ معناش این است که همچنان‌که امروز بعضی از دولت‌های عربی با کمال وقارت، دست دوستی به سمت دشمن صهیونیستی دراز می‌کنند، جمهوری اسلامی هم با دشمن صهیونیستی کنار بیاید و آشتی کند.

### ۳- عبور از ابزارهای دفاعی

البته قضیه به اینجاها ختم نمی‌شود؛ معنای آنچه در آن تحلیل سیاسی دشمن ادعای می‌شود، این است که اگر میل آمریکا است، جمهوری اسلامی حتی از ابزارهای دفاعی خود هم صرف‌نظر کند. می‌بینید که بر روی مسئله موشک‌ها چه جنجالی در دنیا به راه انداخته‌اند که چرا جمهوری اسلامی موشک دارد، چرا موشک دوربرد دارد، چرا موشک‌های جمهوری اسلامی هدف را دقیق می‌زنند و هدف قرار می‌دهند، چرا آزمایش کردید، چرا تمرین نظامی می‌کنید، و چرا و چرا و چرا! حالا آمریکایی‌ها در منطقه خلیج فارس که چند هزار کیلومتر با کشور آنها فاصله

دارد، هر چند وقت یک بار با یکی از کشورهای منطقه رزمایش به راه می‌اندازند - درحالی‌که آنها در اینجا هیچ مسئولیتی ندارند - اماً جمهوری اسلامی که در خانهٔ خود، در محیط خود و در حریم امنیت خود رزمایش می‌کند، جنجال اینها بلند می‌شود که چرا رزمایش کردید؟ چرا اقدام کردید؟ چرا نیروی دریایی شما یا نیروی هوایی شما این اقدام‌ها را کردند؟ معنای آن تحلیل دشمن این است که از همه اینها بایستی صرف‌نظر بکنیم. قضیه از این هم بالاتر است؛ تدریجیاً موضوع را به این خواهند کشاند که اصلاً چرا نیروی قدس تشکیل شده است؟ چرا سپاه تشکیل شده؟ چرا سیاست‌های داخلی جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی، باید با اسلام تطبیق داده بشود؟ مطلب به اینجاها می‌رسد!

**۴- عبور از احکام اسلام و گرایش به لیبرالیسم**

شما وقتی در مقابل دشمن، درحالی‌که می‌توانید ایستادگی کنید - که بعداً عرض خواهم کرد - عقب‌نشینی کردید، دشمن جلو می‌آید - دشمن متوقف نمی‌شود - و کم‌کم کار را به اینجا می‌رسانند که اینکه شما می‌گویید دولت جمهوری اسلامی،

مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه باید برطبق احکام اسلام و شریعت اسلامی باشد، اینها برخلاف آزادی است و لیبرالیسم اینها را قبول ندارد؛ کم‌کم به اینجاها می‌رسد. اگر عقب‌نشینی کردیم، عقب‌نشینی به این نقطه‌ها متنه خواهد شد که بگویند شورای نگهبان چه نقشی در جامعه دارد و چرا باید شورای نگهبان به خاطر مخالفت با شرع قوانین را بردارد؟ حرف اینجا است! این همان چیزی است که بنده بارها عرض کرده‌ام که این، تغییر سیرت جمهوری اسلامی است. ممکن است صورت جمهوری اسلامی محفوظ بماند اما از محتوای خود به کلی تهی بشود؛ دشمن این را می‌خواهد! بنابر این تحلیل دشمن‌خواسته و بنابر این تحلیلی که آنها دارند در اذهان نخبگان و افکار عمومی ملت تزریق می‌کنند، اگر جمهوری اسلامی و ملت ایران می‌خواهد از شرّ آمریکا راحت بشود، باید از محتوای جمهوری اسلامی دست بردارد، از اسلام دست بردارد، از مفاهیم اسلامی دست بردارد، از

امنیت خود دست بردارد!<sup>۵</sup>

## خسارت محض

### در پدید نیامدن آثار رفع تحریم‌ها

آنچه در این تحلیل مفقود است و نادیده گرفته شده است، چند مطلب است که من به یکی از آنها اشاره می‌کنم و آن این است که در همین توافقی هم که ما با آمریکایی‌ها در قضیه پنج بعلاوه یک و مسئله هسته‌ای کردیم، آمریکایی‌ها به آنچه وعده داده بودند عمل نکردند و کاری را که باید می‌کردند، انجام ندادند. بله! به تعبیر وزیر خارجه محترم ما، روی کاغذ کارهایی را انجام دادند اما از راههای انحرافی متعدد، جلوی تحقق مقاصد جمهوری اسلامی را گرفتند. شما نگاه کنید: امروز در سرتاسر کشورهای غربی و کسانی که تحت تأثیر آنها هستند، همچنان معاملات بانکی ما دچار مشکل است، بازگرداندن ثروت‌های ما در بانکهای آنها دچار مشکل است، معاملات گوناگون تجاری‌ای که احتیاج به دخالت بانک‌ها دارد، دچار مشکل است. وقتی دنبال می‌کنیم، تحقیق می‌کنیم و می‌گوییم: چرا این جور است؟

معلوم می‌شود از آمریکایی‌ها می‌ترسند! آمریکایی‌ها گفته‌اند که ما تحریم‌ها را بر می‌داریم و روی کاغذ هم برداشتند اما از طرق دیگر جوری عمل می‌کنند که اثر رفع تحریم‌ها مطلقاً به وجود نیاید و تحقق پیدا نکند. بنابراین، کسانی که امید می‌بنند به اینکه بنشینیم با آمریکا در فلان مسئله مذاکره کنیم و به یک نقطه توافقی برسیم - یعنی ما یک تعهدی بگنجیم، طرف مقابل هم یک تعهدی بگند. از این غفلت می‌کنند که ما ناگزیر باید به همه تعهدات خود عمل کنیم اما طرف مقابل با طرق مختلف، با شیوه‌های مختلف، با خدشه، با تقلب سر باز می‌زنند و به تعهداتی که کرده است عمل نمی‌کند. این چیزی است که ما امروز در مقابل چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ یعنی خسارت

محض!<sup>۵</sup>

## اقدام آمریکا

### برای دستیابی مجدد به گُل منطقه

اما مسئله از این هم بالاتر است. لازم است من به جوانهای عزیز که رژیم طاغوت را درک نکرده‌اند و دوران طاغوت را ندیده‌اند و نمی‌دانند که چه اتفاقی با پیروزی انقلاب در این کشور افتاد، چند جمله‌ای را عرض بکنم. ببینید: در این منطقه‌ای که ما زندگی می‌کنیم - منطقهٔ غرب آسیا - کشور عزیز شما ایران، گُل منطقه است؛ از لحاظ جایگاه راهبردی و به تعبیر رایج موقعیت استراتژیکی، یک کشور بی‌نظیر است؛ از لحاظ منابع فراوان نفت و گاز در همهٔ این منطقه و با یک نگاه از همهٔ دنیا امتیاز دارد؛ غیر از نفت و گاز، منابع فراوان دیگری هم هست. کشوری است بزرگ، با جمعیتی مستعد و مردمی باستعداد، با تاریخی غنی. اینجا گُل منطقه است؛ این گُل منطقه یک روزی یکجا و به‌طور کامل در قبضهٔ آمریکا بوده است و هر کاری آمریکایی‌ها می‌خواستند نسبت به این کشور و در این کشور انجام بدهند می‌کردند: غارت می‌کردند، ثروت‌هایش را می‌بردند؛ همهٔ کارهایی که یک دولت استعمارگر و یک دولت مستکبر با یک کشور ضعیف

انجام می‌دهد، اینها در این کشور انجام می‌دادند و اینجا را در قبضه خودشان و در پنجه اقتدار خودشان داشتند، انقلاب آمده است این کشور را از پنجه آنها بیرون کشیده، لذا کینه انقلاب از دل سیاست آمریکا خارج نمی‌شود. آنوقتی دشمنی اینها تمام می‌شود که بتوانند همان سلطه را بار دیگر در این کشور تجدید کنند؛ هدف این است و دنبال این هستند. البته سیاست‌مدارند، دیپلمات‌اند، کار سیاسی را بلدند و می‌دانند هر هدفی و مقصودی یک راهی دارد و باید بتدریج حرکت کرد و از راهش وارد شد؛ دارند این کار را می‌کنند. ما باید چشممان باز باشد، ما باید حواس‌مان جمع باشد.

جمهوری اسلامی نه فقط ایران را از دست اینها خارج کرد بلکه با روحیه مقاومتی که نشان داد و دلیری‌ای که نشان داد – که حالا بعد عرض خواهم کرد – موجب تشویق کشورهای دیگر هم شد. امروز شما ببینید در کشورهای متعددی در این منطقه و حتی فراتر از این منطقه «مرگ بر آمریکا» می‌گویند، پرچم آمریکا را آتش می‌زنند. ملت ایران نشان داد که می‌تواند مقاومت بکند، ملت‌های

دیگر هم یاد گرفتند و سرورشته از دست آمریکا خارج شده است. آمریکایی‌ها اعلان کردند که می‌خواهند خاورمیانه بزرگ درست کنند - یکوقت گفتند خاورمیانه نوین، یکوقت گفتند خاورمیانه بزرگ - مقصود این بود که در این منطقه غرب آسیا و در قلب کشورهای اسلامی، دولت جعلی رژیم صهیونیستی را برابر همه امور این منطقه از لحاظ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مسلط کنند؛ هدف‌شان این بود. الان شما نگاه کنید ببینید همان‌هایی که شعار خاورمیانه بزرگ می‌دادند، در قضیه سوریه درمانده‌اند، در قضیه یمن درمانده‌اند، در قضیه عراق درمانده‌اند، در قضیه فلسطین درمانده‌اند و اینها همه را از چشم ایران می‌بینند، از چشم جمهوری اسلامی می‌بینند. دشمنی آنها با جمهوری اسلامی این جوری است! اختلاف آنها با جمهوری اسلامی سر یکذرّه و دوذرّه نیست! مسئله، مسئله اساسی است؛ دارند حرکت می‌کنند بیایند به این سمت که بلکه بتوانند آن سلطهٔ قدیمی خودشان را برقرار کنند.<sup>۵</sup>

## آگاهی ملت ایران

### به شیوه‌های دشمنی آمریکا

خب! من که می‌گوییم «دشمن»، مقصودم دولت آمریکا است؛ تعارف هم نمی‌کنیم. البته آنها می‌گویند که ما دشمن شما نیستیم، ما دوست شما هستیم. پیام نوروزی به مردم ما داده‌اند و برای جوان‌های ما دلسوزی کرده‌اند؛ یا در کاخ سفید سفره هفت‌سین پهنه می‌کنند! خب! اینها بچه‌گول‌زنی است؛ کسی اینها را باور نمی‌کند. از آن طرف تحریم‌ها را حفظ می‌کنند، از آن طرف وزارت خزانه‌داری آمریکا با طرقی که خودشان دارند و خودشان اقرار کرده‌اند، جوری عمل می‌کند که شرکت‌های بزرگ، بنگاه‌های بزرگ و بانک‌های بزرگ جرات نکنند نزدیک بیایند و با جمهوری اسلامی معامله کنند؛ از آن طرف این کارها را می‌کنند - تحریم می‌کنند و تهدید می‌کنند - که دشمنی محض است، از آن طرف هم در کاخ سفید سفره هفت‌سین پهنه می‌کنند یا در پیام عید نوروز می‌گویند: ما برای جوان‌های ایرانی دنبال

اشتغال هستیم! خب! کسی اینها را باور نمی‌کند!  
اینها ملت ما را هنوز نشناخته‌اند؛ ملت ایران را  
نشناخته‌اند! ملت ایران ملت فهیمی است، آگاه  
است، دشمنان خودش را می‌شناسد، شیوه‌های  
دشمنی را هم می‌شناسد. بله، ما با مردم آمریکا  
مشکلی نداریم؛ ما با هیچ ملتی و با هیچ آحاد  
مردمی مشکل نداریم؛ ما با سیاست‌ها کار داریم، با  
سیاست‌مدارها کار داریم؛ آنها دشمن هستند!

<sup>۵</sup>

## انقلاب اسلامی

### تخریب کننده سنگرهای نظام سلطه

جوان‌های عزیز ما رژیم طاغوت را ندیده‌اند؛ من به شما جوان‌های عزیز عرض بکنم که در کشور ما، در طول این حدود پنجاه یا شصت سال - یعنی در دوره حکومت پهلوی و مقداری قبل از آن - اوّل انگلیس‌ها، بعد هم آمریکایی‌ها زمام امور را در دست داشتند و هر کاری می‌خواستند می‌کردند؛ مثلاً حکومت پهلوی را سر کار آوردن؛ رضاخان را سر کار آوردن و بعد که به جهتی از او دلخور شدند، او را برداشت، محمد رضا را آوردن؛ یعنی در یک کشوری به این بزرگی و با این عظمت، در قبال این ملت، آمریکایی‌ها یا انگلیسی‌ها براحتی رئیس این کشور را به میل خودشان می‌برند، یکی را می‌آورند به جای او، و بین خودشان؛ وضع آنها در ایران این‌جوری بود. خب! چه‌جوری توانسته بودند این تسلط را پیدا کنند؟ در اینجا سنگرهایی به وجود آورده بودند که اوّل رژیم انگلیس، بعد رژیم آمریکا در سال‌های

بعد یا دهه‌های بعد، از این سنگرها استفاده می‌کردند برای دوام سلطه خودشان بر این کشور. انقلاب آمد و به دست جوان‌های خودش این سنگرها را تخریب کرد، منهدم کرد و به جای آن، سنگرهايی برای حفاظت از انقلاب و برای حفاظت از جمهوری اسلامی و منافع ملی به وجود آورد. اینها می‌خواهند بیایند آن سنگرهاي تخریب شده قبلی را دوباره ترمیم کنند و این سنگرهايی را که به دست انقلاب و انقلابیون و جوان‌ها به وجود آمده است از بین ببرند؛ هدف این است!

حالا من چندتا از این سنگرها را برای شما می‌شمارم.

### ۱- سنگر رژیم‌شاه:

مهم‌ترین سنگر رژیم‌های مستکبر - یعنی اوّل انگلیس، بعد آمریکا - در کشور ما عبارت بود از خود رژیم دست‌نشانده طاغوت. رژیم دست نشانده طاغوت، سنگر اینها بود؛ به‌وسیله او بود که اینها هر کاری می‌خواستند در این کشور می‌کردند؛

هر فعالیت اقتصادی، هر فعالیت فرهنگی، هر فعالیت سیاسی، هر جایه‌جایی، هر موضع‌گیری؛ هرجوری که مایل بودند، این کشور را و دولت این کشور را به این طرف و آن طرف می‌کشانند؛ یعنی خود رژیم طاغوت مهم‌ترین سنگر آمریکا و انگلیس در این کشور بوده است. این یک سنگر. خب! انقلاب آمد، این سنگر را نابود کرد، از بین برد و ریشه‌کن کرد؛ حکومت پادشاهی را در کشور ریشه‌کن کرد و به جای حکومت پادشاهی و حاکمیت شخصی، حاکمیت مردمی را به وجود آورد. یک روزی بود در این کشور که می‌گفتند: آقا! مملکت صاحب دارد؛ صاحب مملکت کیست؟ اعلیحضرت! این بود! این را مکرّر بر زبان‌ها جاری می‌کردند که آقا، مملکت صاحب دارد؛ کیست صاحب مملکت؟ شاه صاحب مملکت بود! یعنی یک عنصر فاسد، نالایق، وابسته و غالباً تهی از غیرت ملی، صاحب مملکت بود. خب! جمهوری اسلامی آمد این صاحب غاصب دروغین را کنار زد، مملکت را داد دست صاحبان

اصلی‌اش که ملت‌اند؛ انتخابات می‌کنند، حضور پیدا می‌کنند، می‌خواهند، اثبات می‌کنند، نفی می‌کنند؛ این اوّلین سنگر دشمن بود که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی این سنگر را درهم ریخت.

## ۲- سنگر ترس:

ولی تنها این نبود، سنگرهای دیگری هم بود؛ عوامل روانی و عوامل عینی، سنگرهایی بودند که من دو سه موردش را برای شما می‌شمارم. یکی ترس بود، سنگر ترس؛ ترس از قدرت‌ها! در کشور کاری کرده بودند که ترس از قدرت آمریکا بر همه دل‌ها حاکم بود؛ عرض کردیم که در این دهه‌های آخر از آمریکا، قبلش هم ترس از انگلیس؛ هر حادثه‌ای در کشور اتفاق می‌افتد، می‌گفتند کار انگلیس‌ها است؛ یعنی انگلیس‌ها را قدرت مطلق می‌دانستند! این ترس، مخصوص مردم نبود؛ خود سردمداران رژیم هم می‌ترسیدند از آمریکا! این خاطراتی که عوامل رژیم نوشته‌اند و بعدها - بعد از انقلاب - این خاطرات منتشر شده

است، نشان می‌دهد که در مواردی خود محمدرضا و عوامل نزدیک به او از آمریکایی‌ها عصبانی بودند به خاطر تحقیری که می‌کردند، به خاطر بی‌اعتنایی‌ای که می‌کردند، اماً چاره‌ای نداشتند و مجبور بودند انقیاد (اطاعت) بکنند؛ مجبور بودند از ترس اطاعت کنند؛ می‌ترسیدند! انقلاب اسلامی آمد و این سنگر ترس را منهدم کرد. امروز در جمهوری اسلامی یک عنصر آگاه مطلع متکی به ارزش‌های دینی را شما پیدا نمی‌کنید که از آمریکا برتسد؛ ملت ترس را دور انداخت. ملت نه فقط ترس از آمریکا را بلکه ترس از همه جبهه استکبار را دور ریخت. در دوران جنگ تحملی که هشت سال به طول انجامید – که باز مؤسّفانه جوان‌های ما آن دوران طلایی را درک نکرده‌اند، آن دوران نورانی را درک نکرده‌اند – آمریکا به صدّام کمک می‌کرد، ناتو به صدّام کمک می‌کرد، شوروی آن روز به صدّام کمک می‌کرد، ارتیاج عرب با همه بی‌لیاقتی و ضعفی که داشت، به صدّام کمک می‌کرد؛ همه کمک می‌کردند! یعنی

شرق و غرب یک جبهه واحدی شده بودند به نفع صدّام و علیه جمهوری اسلامی! جمهوری اسلامی خم به ابرو نیاورد، ایستاد و به توفيق الهی بر همه آنها هم غالب شد، بر همه آنها پیروز شد؛ بعد از هشت سال جنگ نتوانستند یک وجب از خاک ایران را از ایران جدا کنند. ترس را این جور از بین بردنند. بله، من عرض کردم که امروز انسان‌های خویشتن‌دار، انسان‌های آگاه، انسان‌های متّکی به ارزش‌های اسلامی از آمریکا نمی‌ترسند اما چرا! امروز هم ممکن است بعضی‌ها بترسند اما این ترس، غیر عقلائی است؛ اگر ترس محمدرضا از آمریکا عقلائی بود، ترسِ اینها غیر عقلائی است! برای خاطر اینکه آنها پشتیبانی مثل مردم نداشتند و امروز جمهوری اسلامی پشتیبانی مثل این ملت بزرگ دارد.

### ۳- سنگری اعتمادی به خود:

یکی از سنگرهای دشمن برای تسلط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی‌اعتقادی به خود، بی‌اعتمادی به خود، نداشتن اعتماد به نفس ملّی؛ در

مقابل چشم‌شان زرق‌وبرق کشورهای غربی را مشاهده می‌کردند، پیشرفت‌های علمی و پیشرفت‌های فناوری و زرق‌وبرق تمدنی مادّی آنها را می‌دیدند و در کشور خودشان اینها نبود، در کشور این چیزها نبود، عقب‌ماندگی بود، لذا احساس بی‌اعتمادی به خود می‌کردند، احساس ناباوری به خود می‌کردند. آن روز در دوران پهلوی، یکی از ارکان دولت گفت: که ایرانی باید برود لول‌هنگ بسازد! شماها نمی‌دانید لول‌هنگ چیست؛ لول‌هنگ آفتابه گلی است، آن هم نه آفتابه از جنس فلن. آن قدیم قدیم معمول بود که از جنس گل آفتابه درست می‌کردند. می‌گفت: ایرانی لیاقت‌اش همین است که برود لول‌هنگ بسازد؛ ایرانی را چه به اختراعات! آن روز این جوری می‌گفتند. یک نفر دیگر از بر جستگان آن دوران می‌گفت که ایرانی اگر بخواهد پیش برود، بایستی از فرق سر تا پا بشود غربی و اروپایی! باید همه‌چیز خودش را شیوه آنها بکند، شاید بتواند جلو برود! یعنی به خودشان باور نداشتند. خب! انقلاب آمد این

ناباوری را به کلی تبدیل کرد به باور به خود، اعتماد به نفس ملی؛ امروز جوان ایرانی می‌گوید ما می‌توانیم در بسیاری از موارد در پیشرفت‌های علمی غیر از آنچه حالا امروز بحمدالله در دسترس قرار گرفته است و پیشرفت‌هایی که تحقق پیدا کرده است - جوان‌های ما گاهی اوقات یک فکرهای نویی را مطرح می‌کنند که دستگاه‌های مسئول توانایی ندارند اینها را جمع‌وجور کنند؛ جوان ایرانی اعتماد به نفس دارد. وقتی باور به خود نبود، پیشرفت هم نیست؛ وقتی باور به خود بود، شعار «ما می‌توانیم» بود، توانایی هم می‌آید؛ کشور می‌شود توان، ملت می‌شود توانا. امروز ما این را داریم مشاهده می‌کنیم.

پنجاه سال در این کشور در دوران طاغوت، قبل از انقلاب، دانشگاه وجود داشت؛ در این دانشگاه، هم اساتید متعهد و خوبی بودند، هم دانشجویان بالاستعدادی بودند - حالا تعداد نسبت به امروز کم بود؛ از لحاظ نسبی خیلی کمتر از امروز بود لکن همان‌هایی که بودند، به‌هرحال جوان‌های ایرانی بودند دیگر، جوان‌های بالاستعداد بودند. ولی یک

حرکت علمی، یک پدیدهٔ نو علمی در تمام طول این پنجاه سال در ایران وجود ندارد. چرا؟ چون باور نمی‌کردند که بتوانند، اطمینان نداشتند به خودشان! این بی‌اطمینانی را تزریق کرده بودند در اذهان ملت. امروز، ما هر روزی در کشور یک نوآوری داریم؛ نوآوری علمی، نوآوری فناوری. دشمنان ما وقتی می‌بینند این نوآوری‌ها را، عصبانی می‌شوند. امروز کشور ما با وجود تحریم در رشته‌های متعددی از دانش‌های پیشرفته، جزوِ ده کشور اوّل دنیا است. حالا آنچه جلوی چشم مردم است، ابزارهای نظامی و همین وسایل جنگی‌ای است که شما ملاحظه می‌کنید در اختیار سپاه و ارتش و دیگران هست. پیشرفت‌هایی که اینها در زمینه‌های گوناگون کرده‌اند، در زمینهٔ نانو و در همین زمینهٔ هسته‌ای، به‌خاطر باور به خود است. یکی از سنگرهای دشمن در ایران، ناباوری ملت به خود بود، و یکی از سنگرهای بزرگ پیروزی ملت و جوانان ملت، باور به خود و روحیهٔ «ما می‌توانیم» است. این هم یکی از سنگرهای دشمن بود.

#### ۴- سنگر جدایی دین از سیاست

یک سنگر دیگر از سنگرهای دشمن، جدایی دین از سیاست بود. به همه باورانده بودند که دین باید در محیط سیاست، در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت نکند؛ این را باورانده بودند. حال آنهایی که با دین سروکار نداشتند که به جای خود، حتی متدینین و حتی بعضی از علمای دین باور نمی‌کردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند؛ این در حالی است که اصل تولّد اسلام در اوّل، با رویکرد سیاسی بود. پیغمبر اکرم اوّلین کاری که در مدینه کرد، حکومت تشکیل داد، اما این باور را در ذهن‌ها گنجانده بودند و از این سنگر علیه نظام و علیه کشور و علیه مردم فعالیت می‌کردند. جمهوری اسلامی آمد و این سنگر را هم منهدم کرد و نابود کرد. امروز درباره مسائل کشور از دیدگاه اسلامی و قرآنی، جوانهای ما و دانشجوهای ما در دانشگاه‌های ما هم دارند کار می‌کنند و تلاش می‌کنند، چه برسد به علماء و حوزه‌های علمیه و مانند اینها!<sup>۵</sup>

## تلاش دشمن برای تغییر باورهای مردم

### و ضرورت تقویت بنیه فکری جوانان

اینها همه یک طرف قضیه است، کار و تلاشی هم که دشمن می‌کند برای تغییر باورهای مردم یک طرف قضیه است. اینجا آنوقت شما نقش ایفا می‌کنید، نقش پیدا می‌کنید؛ نقش مهم! شما از مدافع حرم هم که دفاع می‌کنید، خیلی کار بالارزشی است. همین شعرهایی که خوانده شد، همین حرفهایی که زده شد، اینها خیلی بالارزش است، در این تردیدی نیست - کما اینکه در دوران دفاع مقدس، همین شعرهایی که خوانده می‌شد و همین سرودهایی که گفته می‌شد، خیلی تأثیر داشت؛ این بلاشک امروز هم این تأثیر را دارد - منتهای در کنار این یک کاری هست که آن کار اگر اهمیت‌ش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوانها است. دشمن می‌خواهد باورها را تغییر بدهد: باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی را، باور به امکان تداوم نظام اسلامی را. برخلاف بدیهیات هم

دشمن کار می‌کند و تبلیغات می‌کند؛ گاهی علیه یک چیز واضح هم اقدام می‌کنند و کانه با خدعاً و با فریب و با چشم‌بندی می‌خواهند ثابت کنند. نظام اسلامی از روزی که متولد شده تا امروز، دائم در معرض حملات سنگین بوده؛ حملات سنگین نظامی و تبلیغاتی و تحریم و امثال اینها و در عین حال، نظام اسلامی در این ۳۷ سال رشد کرده؛ یعنی یک روز نبوده است که توقف پیدا کند؛ از همه جهت رشد پیدا کرده، از همه جهت قدرت پیدا کرده و عظمت پیدا کرده. دشمن امروز نگاه می‌کند و می‌بیند آن نهال باریک و نازکی که اوّل انقلاب به وجود آمد، امروز به یک درخت تناور تبدیل شده که: «تُؤْتِي أَكُلُّهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؛ (ابراهیم، آیه ۲۵) این را دارند جلوی چشمان می‌بینند. خب! این نظامی که این قدر استعداد زنده ماندن، استعداد گسترش یافتن و استعداد قوی شدن در او هست، بعد از این هم همین جور قوی‌تر خواهد شد، روزبه روز قوی‌تر خواهد شد. آن چیزهایی که ما برای چشم‌انداز آینده در نظر

گرفته‌ایم خیالات نیست، واقعیات است. بنده سه چهار سال قبل از این، به جوان‌های دانشجو و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمی آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود بیاید زبان فارسی یاد بگیرد؛ (از جمله بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمنی همایش ملّی نخبگان جوان (۱۳۹۲/۷/۱۷) این می‌شود! این ممکن است! کما اینکه در این ده پانزده سال، حرکت علمی و پیشرفت علمی همانی که گفته بودیم شد. وقتی جوان‌ها همت کنند، وقتی صاحبان همت و اراده همت کنند، همه کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما می‌توانیم پیش برویم. در عین حال، دشمن دارد روی باورهای جوان‌های ما اثر می‌گذارد: «آقا چه فایده دارد! نمی‌شود! فایده‌ای ندارد!» اینها آن میدان‌هایی است که جنگ روانی دشمن در این میدان‌ها است و شما به عنوان مذاخ، می‌توانید اثر بگذارید، می‌توانید این جوان را از لحاظ بنیه فکری تقویت کنید.<sup>۱</sup>

## چیرگی نظام سلطه

### بر همه دولت‌های جهان

ببینید! یک نظامی در عالم وجود دارد: نظام استکبار، نظام زورگویی، نظام ظلم؛ البته از قدیم هم همین نظامها بوده است، متنه امروز مدرن شده است، با تجهیزات نو مجّهّز شده. قدرت‌های برتر به ملت‌ها زور می‌گویند؛ این زور گفتن هم حد و اندازه‌ای ندارد؛ اگر اموالی دارند، می‌گیرند؛ اگر نیروی انسانی قابلی دارند، از آنها می‌ذدند؛ اگر استعدادی در آنها هست که آنها را تهدید می‌کند و رقیب برای آنها می‌تراشد، آن استعداد را خفه می‌کنند؛ زورگویی انواع و اقسامی دارد. امروز این زورگویی در دنیا وجود دارد؛ نظام بین‌الملل جهانی که اسمش را گذاشته‌اند جامعه جهانی، یعنی نظام زورگویی! وآل مراد از جامعه جهانی، دولت‌ها و ملت‌های دنیا که نیستند؛ دولت‌ها و ملت‌های دنیا بیزارند از شکل این چند قدرت برتر دنیا که خودشان را می‌گویند جامعه جهانی! جامعه جهانی یعنی همین: افرادی که مبنای کارشان

زورگویی به همه ملت‌ها و همه کشورها و همه اینهاست. و ما که در جمهوری اسلامی هستیم، هم قبل از نظام جمهوری اسلامی در دوران رژیم طاغوت، نمونه‌هایش را یک‌جور دیده‌ایم، هم بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نمونه‌هایش را یک‌جور دیگر دیده‌ایم؛ یک نظامی امروز در دنیا به این شکل وجود دارد. این نظام ناراضی هم زیاد دارد؛ خیلی از ملت‌ها ناراضی‌اند؛ متنهای از ملت‌ها که کاری برنمی‌آید؛ صدای ملت‌ها را کسی نمی‌شنود؛ نه رسانه به آن صورت در اختیارشان است، نه اصلاً حرف آنها جایی حساب می‌شود؛ حالا گیرم مثلاً ده‌هزار نفر هم در یک واحد الکترونیکی مثلاً رسانه‌های الکترونیک و مانند اینها با هم جمع شدند و یک حرفی زدند، یا جمع شدند در خیابان‌ها راه رفتند؛ حالا که چه؟ در قضیه حمله آمریکا به عراق در کمتر از پانزده شانزده سال قبل از این در همه این خیابان‌های پاریس و بعضی کشورهای اروپایی دیگر، راه‌پیمایی راه افتاد در مخالفت با آمریکا؛ چه اثری

کرده؟ ملت‌ها به خودی خود که کاری نمی‌توانند  
انجام بدهند! دولت‌ها هستند که اگرچنانچه  
پشتیبانی ملت‌هایشان را داشته باشند، می‌توانند  
حرفی بزنند و این حرف در دنیا مطرح بشود؛  
چنین دولتی هم در دنیا نیست؛ دولت‌هایی هستند  
ولی می‌ترسند؛ ناراضی‌اند ولی می‌ترسند. من  
به نظرم در صحبت اوّل سال (بیانات در اجتماع زائران و  
مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس ۱/۱ ۱۳۹۵) این را گفتمن  
که رؤسای رژیم طاغوت هم خیلی اوقات از  
کارهای آمریکا ناراضی بودند. در خاطرات این  
بازماندگانشان که آدم نگاه می‌کند، می‌بیند یک  
جاهایی خیلی هم ناراضی‌اند و در خلوت بدگویی  
هم می‌کنند به آنها اما جرأت نمی‌کنند مخالفت  
کنند؛ به عنوان دولت، به عنوان واحد سیاسی و  
مدیریت جامعه جرأت نمی‌کنند. امروز در دنیا  
این جوری است؛ خیلی‌ها ناراضی‌اند اما جرأت  
نمی‌کنند مخالفت کنند.<sup>۶</sup>

## شیوه‌های مقابله استکبار با نظام

یک نظامی در دنیا، در این بلوشو، در این جنگل به هم ریخته به هم آمیخته و ظلم و زور، به وجود آمده است که یک پایه‌هایی دارد که این پایه‌ها درست نقطه مقابل آن چیزی است که امروز نظام جهانی بر آن استوار است؛ نقطه مقابل ظلم است، نقطه مقابل استثمار است، نقطه مقابل جنگ طلبی است، نقطه مقابل فساد است؛ آن نظام، نظام جمهوری اسلامی است. این نظام براساس اسلام، براساس دین، براساس تفکرات اسلامی ناب به وجود آمده و یک جماعتی هم از اوّل در رأس این نظام قرار گرفتند که طبیعت اینها این است که از قدرت‌های بزرگ نمی‌ترسند و آن روحانیونند. این را خود تحلیل‌گرها و جامعه‌شناس‌های غربی، امروز می‌گویند؛ از اوّل انقلاب هم می‌گفتند؛ می‌گفتند: این آخوندها نمی‌ترسند از ما!

البته بعضی‌هایشان ممکن است وابسته هم باشند و هستند، اما طبیعت نظام آخوندی در جامعه شیعه، یک چنین طبیعتی است. حالا اتفاقاً

اینها در رأس این نظام قرار گرفته‌اند. مردم هم که همراهی می‌کنند. مردم هم اوّل مردم با استعدادی‌اند، ثانیاً جوان در بین اینها زیاد است - جمعیت ما از ۳۵ میلیون در اوّل انقلاب، حالاً تقریباً رسیده به ۸۰ میلیون؛ یعنی جمعیت ناگهان افزایش پیدا کرده است؛ اگرچه علیه آن هم دارند کار می‌کنند - استعداد زیاد است؛ شجاع هم هستند، نترس هم هستند. خب! وقتی که یک کشوری است که مردم این‌جوری فکر می‌کنند، سردمداران حکومت هم نمی‌ترسند از هیمنه<sup>(هیبت)</sup> عظمت) جهانی، این برای استکبار یک خطر عمدۀ است، یک خطر کاملاً بزرگ است. لذا جبهه علیه آن تشکیل می‌شود؛ کما اینکه الان علیه جمهوری اسلامی جبهه تشکیل شده؛ نه حالاً بلکه از روز اوّل انقلاب جبهه تشکیل شده؛ یک جبهه دشمن به وجود آمده. آن روز شوروی بود و آمریکا که نقطه مقابل هم بودند و اگر در صد مسئله - با کم و زیادش - با هم اختلاف داشتند امّا در مسئله جمهوری اسلامی و مخالفت با جمهوری اسلامی،

همفکر و همدست بودند. یعنی طبیعت استکبار این است که با یک چنین نظامی دشمنی می‌کند. پس یک جبهه تشکیل دادند که این جبهه امروز هم وجود دارد و از انواع و اقسام شیوه‌ها هم دارد استفاده می‌کند؛ همچنان‌که فرض کید بیست سال پیش اینترنت نبود، امروز هست؛ ابزارها روزبه‌روز دارد پیشرفتی می‌شود. از بیشترین ابزارها و وسیع‌ترین و سریع‌ترین ابزارها علیه جمهوری اسلامی دارند استفاده می‌کنند؛ جمهوری اسلامی هم باید خودش را آماده کند از همه ابزارها استفاده کند. دشمن از ابزار دیپلماسی استفاده می‌کند. دیپلماسی، گفتگوی سیاسی، مذاکره سیاسی، بدهبستان سیاسی یکی از ابزارهای است؛ اینها از آن ابزار استفاده می‌کنند. بنده هم با گفتگوی سیاسی مخالف نیستم؛ البته نه با همه – استثناء دارد – بنده در سطح مسائل جهانی، با گفتگوی سیاسی موافقم؛ من در این زمینه‌ها از زمان ریاست جمهوری حرف داشتم و دنبال‌گیری می‌کردم؛ این جور وانمود نکنند که کأنه ما اصلاً با

گفتگو کردن و مانند آن مخالفیم؛ نخیر! ما، هم بیشتر از اینها موافقیم، هم در یک جاهایی بیشتر از اینها بلدیم این کارها را؛ می‌دانیم هم که چه جوری باید عمل کرد. دشمن از گفتگوی سیاسی هم استفاده می‌کند. باید مراقب بود!

پس، از مذاکره استفاده می‌کند، از مبادلات اقتصادی استفاده می‌کند، از تحریم اقتصادی استفاده می‌کند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده می‌کند؛ در مقابل همه اینها بایستی نیروی دفاعی

داشت.<sup>۶</sup>

## ترفند دشمن

### در مقابله با توان دفاعی ایران

اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند: «فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست»! این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خب ناآگاهی است! اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است! چطور چنین چیزی ممکن است؟!

اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فناوری برود، دنبال مذاکره سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سروپایی و هر دولت فررتی (کوچک، ناچیز) کذائی‌ای او را تهدید می‌کند که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک می‌زنیم؛ خب! اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.

قدرت‌های دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف می‌زنند، زور می‌گویند، غلط می‌کنند، حرف‌های بد می‌زنند و زورگویی می‌کنند، بیشتر

از همه به استناد همان سلاح‌هایی است که دارند؛ آن وقت ما در مقابل اینها بیاییم دست خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفت‌های موشکی خودش را نشان می‌دهد، نه فقط مایه افتخار و مبارات ایرانی‌ها است، بلکه وقتی این موشک‌های سپاه با این دقّت و با این زیبایی آزمایش می‌شود، خیلی از ملت‌های آزادی‌خواه دور و بر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال می‌شوند. وقتی اینها انجام می‌گیرد، ما بیاییم اینها را بکوبیم و بگوییم: آقا! امروز دیگر روز موشک گذشته! نه، روز موشک نگذشته! دشمن دائم در حال بهروز کردن خود و آماده کردن خود است، بعد ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوییم نه! مثل اوّل انقلاب که همین اف‌چهاردههای ما را می‌خواستند بفروشنند و می‌خواستند پس بدھند و بنده نگذاشتم. من خبر شدم که یکی از رجال دولت مؤقت آن روز گفته است این اف‌چهاردههایی که رژیم طاغوت خریده به درد ما نمی‌خورد، می‌خواهیم چه کار کنیم این

اف چهاردها را!! پس بدھیم بھشان! آنجا خب! ما  
ایستادیم، هیاھو کردیم، مصاحبه کردیم و مقابله  
کردیم، جرأت نکردند این کار را بکنند؛  
می خواستند پس بدھند. چند صباح بعدش، جنگ  
ایران و عراق پیشامد کرد و حمله کردند به ما و  
معلوم شد که ما چقدر احتیاج داریم به همین  
وسایلی که داریم؛ همین اف چهارده و همین  
اف چهار و امثال اینها. امروز هم بعضی‌ها همین  
آهنگ را پیش گرفته‌اند که: موشک چیست؟  
موشک می خواهیم چه کار کنیم؟ روزگار، روزگار  
موشک نیست! پس روزگار چیست آقا؟!<sup>۱</sup>

## علت اصلی مخالفت نظام سلطه

اگر این ایستادگی [ایران در مقابل نظام ظالمانه جهان] نباشد، هر اسم و شکلی داشته باشید، نظام سلطه با شما مخالفتی نخواهد داشت.

اگر جمهوری اسلامی در مقابل نظام ظالمانه جهانی ایستادگی نکند نظام سلطه با آن مخالفتی نخواهد داشت. ... معنای حقیقی تقابل سیاسی و تبلیغی با مبانی و تأکیدات امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی، ضدیت با اسلام سیاسی و اسلام نابی است که اولین بار پس از صدر اسلام در ایران به تشکیل حکومت پرداخته است.<sup>۱۱</sup>

## افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

### وجود سه واقعیت مهم

واقعیت‌هایی وجود دارد:

#### ۱- واقعیت ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فراوان:

یک واقعیت عبارت است از ظرفیت‌های فراوان و سرمایه‌های فراوانی که در کشور ما وجود دارد؛ هم سرمایه‌های طبیعی داریم، هم سرمایه‌های انسانی داریم، هم فرصت‌های بین‌المللی داریم. امروز کشور ما به خاطر این سرمایه‌ها ظرفیت پیشرفت فوق العاده‌ای را در درون خود دارد. این یک واقعیت. امروز جمهوری اسلامی به یک قدرت اثرگذار در سطح منطقه و در مواردی در سطح جهان تبدیل شده است؛ این یک واقعیتی است که وجود دارد. قدر خودمان را بدانیم، ارزش و اهمیّت خودمان را بدانیم، عظمت این ملت را بدانیم.

#### ۲- واقعیت دشمنی آمریکا

دوّم اینکه آمریکا به دلایل واضحی با ما دشمن است؛ همین‌طور که عرض کردیم، مرادمان

سیاست‌مداران آمریکا و سیاست‌های آمریکا است.

در قضیه برجام بدعهدی کردند و به تحریم‌های دیگری ما را تهدید کردند. همین‌طور که گفتم، وزیر خزانه‌داری آمریکا بشدت شب‌وروز مشغول کار است برای اینکه نگذارند که جمهوری اسلامی از نتایج برجام بهره‌مند بشود. خب! اینها دشمنی است! مرتبًا تهدید می‌کنند و مرتبًا به تحریم‌های بیشتر تهدید می‌کنند. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم چند ماه دیگر - هفت هشت ماه دیگر - شروع خواهد شد و تا نه ماه دیگر این دولت فعلی آمریکا عوض خواهد شد و هیچ تضمینی وجود ندارد که این دولتی که بعداً به وجود خواهد آمد، همین تعهدات اندکی را هم که این دولت فعلی کرده است، عمل بکند. الان نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا در سخنرانی‌های انتخاباتی شان مسابقه گذاشته‌اند در بدگویی به ایران! خب این دشمنی است دیگر! دشمنی که شاخ و دم ندارد. وقتی می‌گوییم آمریکا دشمن است، یک عده‌ای منزعج (ناراحت و بی‌قرار) می‌شوند که چرا می‌گویید:

دشمن؟ دشمن است؛ اینها دشمنی است! این هم یک واقعیت. (شعار مردم: «دولت تدبیر و امید! بصیرت، بصیرت») توجه کنید، فراموش نکنید که ما گفته‌ایم ملت و دولت باید همدل و همزبان باشند؛ این را یادتان نروود! همه باید کار کنند و به دولت باید کمک کنند. اگر راهنمایی‌ای هم دارند، راهنمایی را به دولت بکنند. باید به دولت کمک کنند.

### ۳- واقعیت تحریم

واقعیت سوم این است که ابزارهای دشمنی این دشمن به‌ظاهر مقتدر، نامحدود نیست! چند ابزار اساسی دارد که اینها ابزارهای فعال او است: یکی تبلیغات است - ایران‌هراسی - یکی نفوذ است، یکی هم تحریم است. من درباره نفوذ، در این چند ماه اخیر مکرّر صحبت کرده‌ام، تکرار نمی‌کنم؛ درباره تبلیغات هم بحث زیاد است. می‌خواهم راجع به تحریم صحبت کنم.

یکی از سه ابزار مؤثر دشمن عبارت است از تحریم. دشمن احساس کرده است که کشور ما و ملت ما از تحریم ضربه می‌بیند؛ متأسفانه خود ما

هم این برداشت را در او تقویت کردیم. یک جاهایی و در یک برهه‌ای دائم تحریم را بزرگ کردیم که: آقا! تحریم است، تحریم است، باید تحریم را برداریم، اگر تحریم باشد، این جور به ما ضربه می‌خورد و مانند اینها؛ از آن طرف هم برداشتن تحریم‌ها را باز تقویت کردیم، بزرگ کردیم، بزرگ‌نمایی کردیم که اگر تحریم‌ها برداشته بشود این اتفاق خواهد افتاد، آن اتفاق خواهد افتاد؛ اتفاقاتی که نیفتاد و اگر همین جور هم پیش برویم، نخواهد افتاد! لکن دشمن احساس کرده است که با ابزار تحریم می‌تواند بر ملت ایران فشار بیاورد؛ دشمن این را احساس کرده است. پس آنچه در مقابل ما امروز وجود دارد، عمدتاً عبارت است از تحریم.<sup>۵</sup>

## اهمیت و سلامت انتخابات

### هشدار مهم

#### به تحریب کنندگان شورای نگهبان

البته بعضی وقتی در شورای نگهبان رد شدند، ناراحت می‌شوند؛ این ناراحتی قابل فهم است، قبول است. بنده هم ممکن است اگر چنانچه در یک موردی بگویند «شما صلاحیت نداری» ناراحت بشوم اما آیا وقتی ناراحت شدیم، بایستی جنجال بکنیم؟! انسان اگر ناراحت شد، اگر راه قانونی‌ای وجود دارد، باید به آن راه قانونی متولّ بشود. من تعجب می‌کنم که بعضی بنا می‌کنند نوشتن در روزنامه و این‌طرف و آن‌طرف و از این قبیل کارها علیه شورای نگهبان که: چرا ما را رد کردید! ما صالح بودیم! خیلی خب! شما صالح؛ اگر چنانچه شورای نگهبان اشتباه کرده باشد، شما بایستی به آنها مراجعه کنید و آنها هم طبق قانون، همان وظیفه‌ای که دارند باید انجام بدھند؛ اگر نشد، نمی‌شود شورای نگهبان را تحریب کرد! همه توجّه بکنند! شورای نگهبان جزو آن مراکز

اصلی‌ای است که از اوّل انقلاب، استکبار خواسته آن را تخریب بکند! یکی از چند مرکز مهمی که از اوّل انقلاب سعی دستگاه تبلیغات اهربانی صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها و استکبار بر این بوده است که آن را تخریب بکند، سورای نگهبان است! ما نباید کمک کنیم و سورای نگهبان را تخریب کنیم به‌خاطر این ردّ صلاحیت. بله! ممکن است گلایه داشته باشیم یا یک مشکلی وجود داشته باشد؛ خب! مشکل را باید بگوییم؛ نباید تخریب بکنیم سورای نگهبان را! این مرکز اساسی قانونی را نبایستی تخریب بکنیم! لجن پراکنی کردن علیه سورای نگهبان حقیقتاً یک کار غیر اسلامی، غیر شرعی، غیر قانونی و غیر انقلابی است!<sup>۳</sup>

## خصوصیت‌های مهم انتخابات

انتخابات در کشور ما - از جمله این انتخابات - خصوصیاتی دارد که من چند خصوصیت را که به نظرم مهم می‌آید، عرض می‌کنم:

**۱- آزادی در انتخابات :**

یکی این است که مردم برای شرکت در این انتخابات و در دیگر انتخابات‌های کشور ما آزادی عمل دارند. در بعضی از کشورها اجباری است؛ حتی در کشورهای غربی - اروپایی و غیر اروپایی - اجبار هست؛ یعنی شرکت نکردن در انتخابات برای آنها هزینه دارد؛ در کشور ما شرکت نکردن در انتخابات هیچ هزینه‌ای ندارد؛ مردم آزادانه شرکت می‌کنند، با انگیزه شرکت می‌کنند، با رغبت شرکت می‌کنند؛ فکری دارند، دنبال فکر حرکت می‌کنند. این بسیار با ارزش است.

**۲- انتخابات رقابتی:**

[نکته‌ای که] در اغلب انتخابات‌های ما بوده است و در این انتخابات هم به طور واضحی وجود داشت، رقابتی بودن انتخابات بود. سعی شد که

گفته شود انتخابات رقابتی نیست لکن خلاف واقع بود و انتخابات رقابتی بود؛ با علّم‌های گوناگون، با نام‌های گوناگون، با شعارهای گوناگون، جناح‌های مختلف، افراد مختلف شرکت کردند و حرف خودشان را زدند؛ صداوسیما در اختیار نامزدهای خبرگان قرار گرفت؛ نامزدهای مجلس شورای اسلامی در شهرها تبلیغات کردند و آنچه توانستند کار کردند. بنابراین، انتخابات کاملاً رقابتی بود و آنچه به دست آمده است محصول یک رقابت کامل است.

### ۳- آرامش فضای انتخاباتی :

خصوصیت دیگر... که مهم و قابل توجه ... [که] باید واقعاً خدا را شکر کنیم، امنیت و آرامش فضای انتخابات بود؛ حتی در آنجاهایی که انگیزه‌های اختلاف وجود دارد؛ مثل مواردی که قومیت‌هایی هست، بین دو شهر اختلاف هست، بین دو شهر رقابت هست؛ از این قبیل در سراسر کشور داریم؛ هیچ‌جا حادثه تلخی اتفاق نیفتاد. حالا در شهرهای بزرگ و امثال اینها که واضح است،

در گوشه و کنار کشور هم همین جور بود؛ حادثه‌ای که فضای انتخابات را تلخ کند و خدای ناکرده به جان افراد صدمه‌ای وارد نشود، اتفاق نیفتاد. امروز محیط اطراف ما را مشاهده کنید؛ در شرق ما، در غرب ما، در شمال ما، در جنوب ما کشورها دچار ناامنی‌اند. نه اینکه فقط انتخابات آرام و سالم نمی‌توانند برگزار کنند؛ زندگی سالم و آرام هم ندارند؛ فرد از خانه که خارج می‌شود، نمی‌داند که به خانه برمی‌گردد یا نه! وضع ناامنی در کشورهای اطراف ما تقریباً این جوری است! در کشور ما بحمدالله انتخاباتی با این عظمت، با این شرکت وسیع اتفاق می‌افتد؛ در تهران مردم از ساعت هشت صبح تا دوی بعد از نیمه شب رأی می‌دادند؛ به من گزارش دادند در بعضی از حوزه‌های انتخاباتی در تهران، نه تا دوازده بلکه تا دوی بعد از نصف شب مردم می‌آمدند، رأی می‌دادند و می‌رفتند؛ با کمال آرامش، با کمال امنیت. این خیلی چیز مهم‌ی است! این برای کشور یک موجودی است، یک نعمت بزرگ الهی است برای

یک کشور؛ این را باید قدر بدانیم! ما از کسانی که این امنیت را توانستند تأمین کنند برای ما – از وزارت کشور تا نیروی انتظامی تا سپاه تا بسیج و دیگرانی که تأثیر در این معنا داشتند – حقیقتاً باقیستی تشکر کنیم.

#### ۴- سلامت انتخابات :

این انتخابات، مثل بقیه انتخابات‌های ما، سلامت و امانت‌داری بود؛ یعنی انتخابات سالم برگزار شد؛ درست نقطه مقابل آن چیزی که دشمنان ما دائماً در طول این سال‌ها، همواره تبلیغ کردند؛ و این تبلیغ در اوقات انتخابات غالباً شدید شده که «آقا! خیانت می‌کنند؛ اسم فلانی را می‌آورند، رأی فلانی را به جایش در می‌آورند»؛ از این حرف‌ها شنیده‌اید؛ مرتبّاً یک عده‌ای بیرون گفته‌اند و یک عده‌ای هم در داخل آنها را بازگو کرده‌اند و همان حرف‌ها را در داخل کشور تکرار کرده‌اند. با وجود این، بحمدالله انتخابات، سالم بود و همیشه سالم بوده انتخابات. این نشان داد بی‌اعتباری حرف کسانی را و اقدام کسانی را که یک وقتی یک

انتخاباتی مثل سال ۸۸ را نامعتبر دانستند و آن فتنه مضر و مُهیب را برای کشور به وجود آوردند؛ به خاطر اینکه متهم کردند کشور را به اینکه انتخابات، انتخابات ناسالمی است؛ نه! انتخابات سالم بود؛ هم امروز سالم بود، هم دوره‌های قبل سالم بود، هم سال ۸۸ سالم بود، هم سال ۸۴ سالم بود؛ انتخابات سلامت داشت. هیچ وقت این جور کاری نشده است! بله! ممکن است در یک گوشه‌ای، در یک صندوقی ده تا، بیست تا، صد تا رأی این‌وَر و آن‌وَر بشود؛ یا از روی غفلت، یا از روی غرض! اما هیچ‌گونه حرکت سازمان‌دهی شده‌ای که وجود داشته باشد که نتیجه انتخابات را تغییر بدهد، در کشور ما وجود نداشته و وجود ندارد و بعد از این هم امیدواریم ان شاء الله هرگز وجود نداشته باشد.

## ۵- رفتار نجیبانه :

نکته‌ای که باز در این انتخابات واضح شد و بسیار خودش را نشان داد، رفتار کاملاً نجیبانه کسانی بود که رأی نیاوردن. اگر آن کسانی که رأی نیاورده‌اند، بنا می‌کردند اعتراض کردن و دعوا کردن و شکوه و گلایه کردن و در بلندگوها حرف زدن،

وضع آرام نمی‌ماند و طبعاً ناآرامی به وجود می‌آمد.

خود جناب آقای یزدی ادام‌الله‌بقائه هم در اوّل این اجلاس کنونی تان اظهار کردند، هم قبلًاً گفته بودند و ابراز خوشحالی کردند، اظهار رضایت کردند، به کسانی که رأی آوردنده تبریک گفتند؛ اینها خیلی بالاهمیّت است؛ اینها خیلی باعظمت است؛ اینها ارزش است، این ارزش‌ها را بایستی قدر دانست!

برخلاف رفتار نانجیبانه کسانی که در سال ۸۸ عمل کردند که چون رأی نیاوردند، دعوا راه انداختند، مردم را به خیابان‌ها کشاندند، کار را به زدوخورد کشاندند، برای کشور هزینه درست کردند، دشمن را جری کردند، طمع دشمن را برانگیختند؛ این کارها شد! خدای متعال آن فتنه را خاموش کرد وآلآن فتنه، فتنه کوچکی نبود که اینها راه انداختند!! از کسانی که در امنیت انتخابات شرکت فعال داشتند، بنده نام وزارت اطلاعات را نبردم که عذرخواهی می‌کنیم از آنها؛ یعنی حضور آنها شدیداً، جداً حضور مؤثری بود در ایجاد امنیت و جلوگیری از برخی حوادثی که ممکن بود پیش بیاید.<sup>۳</sup>

## جمع‌بندی انتخابات

آنچه در جمع‌بندی این بخش باید عرض بکنیم، این است که مردم در این انتخابات، اعتماد خودشان به نظام اسلامی و تبعیت از نظام اسلامی را اثبات کردند و نشان دادند که تابع جمهوری اسلامی هستند، قوانین جمهوری اسلامی را قبول دارند، بر طبق این قوانین رفتار می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این خیلی با ارزش است؛ این درست نقطه مقابل آن چیزی است که دشمنان ما دارند دنبال می‌کنند؛ می‌خواهند یک دولطی ای درست کنند بین حکومت و نظام از یک طرف و مردم از یک طرف؛ مردم به جای اینکه به زبان بیاورند و حرف بزنند، آمدند در میدان نشان دادند که نخیر، این جوری نیست. البته قبلش هم آن راه‌پیمایی کذايی بيست و دو م بهمن بود با آن عظمت، با آن شور و شعور؛ مردم واقعاً اين جوری هستند. بنابراین خوشبختانه تلاش دشمن برای بي اعتبار کردن انتخابات به نتيجه نرسيد و انتخابات با اعتبار تمام انجام گرفت.<sup>۳</sup>

## جدیت و زحمت فراوان شورای نگهبان

### در احراز صلاحیت‌ها

بعضی — باید گفت به تبعیت ناخواسته و نادانسته از دشمن — برخی از اشکالات را متوجه می‌کنند به شورای نگهبان؛ بنده حقیقتاً گلایه دارم از این گونه افراد. شورای نگهبان کار خودش را با جدیّت، با زحمت فراوان، با تلاش انجام داد. شما هم جای شورای نگهبان باشید، غیر از این عمل نخواهید کرد. شورای نگهبان در ظرف بیست روز — همچنان که جناب آقای شاهروдی الان اشاره کردند — باید دوازده هزار پرونده را می‌دید. خب! این اشکال از قانون است؛ اگر این اشکال قانونی بر طرف بشود، آن مشکلی که مترتب بر این هست، بر طرف خواهد شد. ما چرا باید آن اشکال قانونی را به پای شورای نگهبان بنویسیم؟ آقایان صحبت از احراز و عدم احراز می‌کنند؛ من تعجب می‌کنم از بعضی که این حرف را می‌زنند! خب! شما همه اهل فضل‌اید، اهل علم‌اید؛ آیا بدون احراز شرایط برای یک مسئولیت، می‌شود آن شخص را تأیید

کرد؟ بدون اینکه شما احراز کنید شرایط قانونی  
این کار را دارد، می‌توانید آن را تأیید کنید؟ پیش  
خدای متعال جواب دارید؟ نمی‌توانید! شما هم به  
جای شورای نگهبان باشید، نمی‌توانید! شورای  
نگهبان اگر احراز نکرد، ناگزیر است از اینکه  
بگوید من احراز نکردم. وقتی احراز نکرد، طبعاً  
طرف رد می‌شود. خب! این ایرادی نیست که به  
شورای نگهبان وارد بشود. اگر می‌خواهید شورای  
نگهبان فرصت احراز داشته باشد، باید قانون را  
اصلاح کنید؛ قانون باید اصلاح بشود — قبلاً هم  
این را ما مکرّر گفته‌ایم؛ حالا افراد در فکر هستند،  
شاید ان شاء الله بتوانند؛ البته ما سیاست‌های کلی  
انتخابات را مطرح کردیم و فرستادیم برای مجمع  
تشخیص؛ آنجا هم بررسی کردند؛ اگر حالا  
براساس آنها یک کار درستی انجام بگیرد، بحثی  
نیست — اما با این قانونی که فعلاً وجود دارد،  
وضع همین است؛ شورای نگهبان چاره‌ای ندارد؛  
نمی‌تواند کسی را که شرایط او را احراز نکرده،  
تأیید بکند! باید احراز بکند!

شما می‌گویید که قانون این چهار منبع را گفته؛  
(نهادهای چهارگانه برای استعلام صلاحیت کاندیداهای مجلس شورای  
اسلامی عبارتند از: وزارت اطلاعات، قوه قضائیه، تشخیص هویت  
نیروی انتظامی، سازمان ثبت احوال) خیلی خب - البته همین  
هم محل بحث است - فرض کنیم که این منابع را  
برای کسب اطلاعات ذکر کرده باشد. اگر  
جناب عالی که مسئول هستید، از یک طریقی علم  
پیدا کردید و فهمیدید که این شخص صالح  
نیست، می‌توانید تأیید کنید؟ نمی‌توانید تأیید کنید!  
پیش خدای متعال جواب ندارید! چرا به شورای  
نگهبان این قدر حمله می‌شود؟<sup>۳</sup>

## درخشنش مردم در انتخابات

انتخابات امسال، انتخابات بسیار پُرمعنا و مهمی بود. با اینکه این همه علیه این انتخابات تلاش شده بود، فعالیت شده بود، برای اینکه انتخابات را زیر سؤال ببرند، از ارزش انتخابات بگاهند، یک جمعیت ۳۴ میلیونی در این دو انتخابات شرکت کردند؛ یعنی در واقع، قریب هفتاد میلیون برگه رأی از سوی مردم ایران، داخل صندوق‌ها انداخته شد. این خیلی با ارزش است! این خیلی بالهمیت است! مردم حقیقتاً خوش درخشیدند! ۶۲ درصد، در نسبت جمعیتی که می‌توانند رأی بدهنند، درصد بالایی است اگر مقایسه بشود با بیشتر کشورها؛ نه با بعضی از کشورها بلکه با بیشتر کشورها. آن‌طور که به من گزارش داده‌اند، در آمریکا در این ده سال اخیر هیچ وقت آمار شرکت مردم در انتخابات‌های گوناگون، چه انتخابات کنگره و چه انتخابات ریاست جمهوری، به چهل درصد نرسید.

این حضور مردمی، خیلی معنادار است؛ مردم به معنای واقعی کلمه اعتماد خودشان را به نظام اسلامی نشان دادند و عملًا ثابت کردند. این یکی از نقاط مهم بود.<sup>۳</sup>

### عرصه عمل به وظایف نمایندگان

خب! مردم خوش درخشیدند؛ کاری که از مردم توقع بود انجام بدهند، انجام دادند. حالا نوبت ما است؛ هم نوبت مجلس خبرگان است که به وظایف خود عمل کند، هم نوبت مجلس شورای اسلامی است که به وظایف خود عمل کند؛ هم نوبت دولت محترم است که به وظایف خود عمل کند؛ ما وظایفی داریم. مردم آمدند در میدان و نمایندگان خودشان را معین کردند.<sup>۴</sup>

## اقتدار ملّی

### ضرورت حضور قدرتمندانه در همه عرصه‌ها

امروز، روزگار همه‌چیز است. روزگار مذاکره هم هست؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضا کنیم، بعد آنها هم به حسب ظاهر یک کاری انجام بدهند متنه تحریم‌ها برطرف نشود و تجارت راه نیفتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ نباید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید و در آنجا هم باید خودمان را قوی کنیم. در اقتصاد درون کشور هم همین‌جور؛ ما گفته‌یم اقدام و عمل.

( اشاره به شعار سال ۱۳۹۵: «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل») گفتن

بس است؛ «دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست.» وقتی زیاد هم تکرار کردیم و مدام گفته‌یم اقتصاد مقاومتی، از دهن هم می‌افتد؛ یعنی تکراری که شد، یک چیز کسالت‌باری هم می‌شود؛ عمل کنیم! غرض این است که کشور احتیاج دارد!<sup>۶</sup>

## نقش عناصر مذهبی و سیاسی در هدایت جامعه

### دو جریان تأثیرگذار اسلامی

دو جریان در شکل گیری و پیروزی انقلاب  
اسلامی تأثیرگذاری آشکار داشتند:

۱ - دانشگاه ۲ - حوزه علمیه.

مبارزات دانشجویی در ایران، چه در دوره  
مبارزات اسلامی و چه قبل از آن هم وجود داشت  
اما مبارزات دانشجویی بدلیل دامنه محدود  
تأثیرگذاری آن هیچگاه به یک تحول و انقلاب در  
کشور متوجه نشد. ... ما قدردان مبارزات  
دانشجویان هستیم اما اگر این مبارزات بدون  
حضور مبارزات روحانیت بود، قطعاً به همان  
محیط دانشگاه محدود می شد و به اتمام

۱۱ می رسید.

## نقش مرجعیت و طلب در انقلاب اسلامی

حوزه علمیه قم از دو بخش «مرجعیت و طلب» تشکیل شده است که امام ره به عنوان بخش مرجعیت، اعلامیه می‌دادند و سخنرانی می‌کردند اما آن بخشی که سخنان و دیدگاه‌های امام ره را به عمق جامعه و تا دور دست‌ترین مناطق رساند، روحانیت و طلب بودند. ... اگر حوزه علمیه قم نبود، حرکت امام (ره) شاید به موفقیت نمی‌رسید و این، نشان دهنده نقش حوزه علمیه قم در شکل گیری و استمرار انقلاب اسلامی است. ... آن نیرویی که مردم را به خیابان‌ها آورد و آن راهپیمایی‌های بزرگ و میلیونی را شکل داد، تأثیرگذاری طلب بود که فکر و نیت امام ره را در دورترین نقاط کشور نیز منتقل کردند. ... با توجه به نقش ممتاز و بی‌بدیل حوزه علمیه قم در پیروزی انقلاب اسلامی، اکنون انگیزه‌ها و طرح‌هایی برای «انقلاب زدایی» از حوزه علمیه وجود دارد.<sup>۱۱</sup>



# تدابیر اقتصادی و مالی

• اقتصاد مقاومتی

## اقتصاد مقاومتی

### اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل

گزارشی که برادران ما در دولت به من دادند، نشان می‌دهد که کارهای وسیعی کرده‌اند؛ متنها این کارها کارهای مقدماتی است؛ کارهایی است در زمینه بخشنامه‌ها و دستورها به دستگاه‌های مختلف؛ اینها کارهای مقدماتی است؛ اما آنچه که لازم است ادامه پیدا کند، عبارت است از اقدام کردن و عمل کردن و روی زمین، محصول کار را به مردم نشان دادن؛ این آن چیزی است که وظیفه

ما است؛ که من ان شاء الله در سخنرانی شرحت را  
به آحاد ملت عزیzman عرض خواهم کرد.

بنابراین، آنچه که من به عنوان شعار امسال  
انتخاب می‌کنم، عبارت است از «اقتصاد مقاومتی،  
اقدام و عمل» این، راه و جاده مستقیم و روشنی  
است به سمت آن چیزی که به آن احتیاج داریم.  
البته توقع نداریم که این اقدام و عمل، در ظرف  
یک سال همه مشکلات را حل کند؛ اما مطمئن‌ایم  
که اگر چنانچه اقدام و عمل به صورت برنامه‌ریزی  
شده و درست انجام بگیرد، ما در پایان این سال  
آثار و نشانه‌های آن را مشاهده خواهیم کرد. از  
همه کسانی که در این راه تلاش کردند و تلاش  
می‌کنند، تشکر می‌کنم.<sup>۴</sup>

## اقتصاد مقاومتی

### علاج همه مشکلات

اگر ما بخواهیم مشکل رکود را حل کنیم، مشکل تولید داخلی را حل کنیم، بخواهیم مسئله بیکاری را حل کنیم، بخواهیم گرانی را مهار کنیم، علاج همه اینها در مجموعه مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی گنجانده شده است. اقتصاد مقاومتی شامل همه اینها است. می‌شود با اقتصاد مقاومتی به جنگ بیکاری رفت؛ می‌شود به جنگ رکود رفت؛ می‌شود گرانی را مهار کرد؛ می‌شود در مقابل تهدیدهای دشمنان ایستادگی کرد؛ می‌شود فرصت‌های بسیاری را برای کشور ایجاد کرد و از فرصت‌ها استفاده کرد؛ شرطش این است که برای اقتصاد مقاومتی کار و تلاش انجام بگیرد.<sup>۴</sup>

## اقتصاد مقاومتی

### راه مقابله با تحریم‌ها

ما برای اینکه با تحریم مقابله کنیم چه کار باید بکنیم؟ اوّل صحبت عرض کردم که یک دوراهی‌ای را دشمن نشان می‌دهد به ما؛ می‌گوید: یا بباید تسليم آمریکا بشوید و هر چه او می‌گوید گوش کنید، یا فشار و تحریم ادامه پیدا می‌کند؛ این یک دوراهی است که گفتیم غلط و دروغ است، اما یک دوراهی دیگری وجود دارد: یا بایستی مشکلات تحریم را تحمل کنیم یا ایستادگی کنیم به وسیله اقتصاد مقاومتی. (شعار حضار: ای رهبر آزاده / آماده‌ایم آمده) خیلی خب! آمادگی شما خوب است، متنهای برای اقتصاد مقاومتی، صرف آمادگی کافی نیست؛ ما گفتیم «اقدام و عمل». البته دولت محترم در زمینه اقتصاد مقاومتی کارهایی کرده‌اند؛ ما گفتیم یک ستاد فرماندهی تشکیل بدهید برای اقتصاد مقاومتی، تشکیل دادند و معاون اوّل رئیس جمهور محترم را در رأس آن گذاشتند؛ کارهایی هم کردند، گزارشش را هم به من دادند

که من امروز در پیام اوّل سال به ملت عزیzman این را گفتم؛ منتهای کارهای مقدماتی است. به من گزارش داده‌اند که بر اثر فعالیت‌هایی که انجام گرفته است، تراز بازرگانی ثبت شده. یعنی صادرات غیر نفتی‌مان از واردات‌مان بیشتر است؛ خب! این خبر بسیار خوبی است؛ یا اینکه مثلاً فرض بفرمایید واردات ما از سال گذشته کمتر شده است؛ اینها خبرهای خوبی است، منتهای اینها کفايت نمی‌کند و کار با اینها تمام نمی‌شود؛ کارهای اساسی باید انجام بگیرد.<sup>۰</sup>

## ده راهکار نجات کشور با حرکت انقلابی

من چند کار را اينجا ذكر كردهام که اين کارها  
باید در زمينه «اقدام و عمل» انجام بگيرد.

### ۱- شناسايي فعالیت‌های اقتصادي مادر:

اول مسئولين محترم دولتي باید فعالیت‌ها  
زنجیره‌های اقتصادي مزیت‌دار کشور را شناسايي  
کنند و بر آنها مرکز بشوند؛ بعضی از فعالیت‌های  
اقتصادي در کشور اولويت دارد، اهمیت دارد، مثل  
مادر می‌ماند و از آن، باب‌های متعدد اقتصادي و  
تولیدی گشوده می‌شود؛ روی آنها بایست مرکز  
کنند؛ آنها را باید شناسايي کنند و نقشه راه را  
مشخص کنند و تکليف همه را معلوم بکنند.

### ۲- زنده کردن تولید داخلی:

دوّمین مسئله در اين «اقدام و عمل» اى که ما  
گفتيم باید مورد توجه قرار بگيرد، زنده کردن  
توليد داخلی است. آن‌طوری که به من گزارش  
کرده‌اند، امروز حدود شصت درصد از امکانات  
توليد ما معطل است، تعطيل است؛ بعضی‌ها به  
كمتر از ظرفيت کار می‌کند، بعضی‌ها کار نمی‌کند؛

بایستی ما تولید را زنده کنیم، تولید را احیاء کنیم.  
 البته این، راه دارد؛ این راه را خیلی از  
اقتصاددان‌های متعهد بلدند. من به مسئولین محترم  
دولتی مکرّر گفته‌ام این متقدینی را که هستند  
بخواهید، حرف‌هایشان را بشنوید؛ گاهی  
پیشنهادهای خوبی دارند؛ میتوان تولید را احیاء کرد  
و در کشور به حرکت درآوردن.

### ۳- عدم تضعیف تولید داخلی:

کار سوم اینکه ما بالاخره تجارت خارجی  
داریم، واردات داریم، به یک چیزهایی احتیاج  
داریم که از خارج وارد کنیم، مجبوریم اینها را  
بخریم، اشکالی هم ندارد، لکن توجه کنیم که این  
خریدهای ما، قدرت تولید داخلی ما را تضعیف  
نکند. فرض بفرمایید ما می‌خواهیم مثلاً هواپیما  
وارد بکنیم یا خریداری بکنیم؛ به ما گفته می‌شود -  
خود مسئولین دولتی می‌گویند - که اگر چنانچه  
فلان درصد از این قیمت را ما در صنایع داخلی  
هواپیما سرمایه‌گذاری کنیم، بیشتر از آنکه از خارج  
بخریم، استفاده خواهیم کرد و تولید داخلی هم

رشد پیدا می‌کندا! اینکه ما همه‌چیز را از خارج وارد کنیم و نگاه نکنیم که این خرید ما، این واردات ما چه بلایی سر تولید داخلی می‌آورد، خطأ است! پس بنابراین، در خریدها کاری کنیم که تولید داخلی تضعیف نشود.

#### ۴- مدیریت صحیح منابع مالی:

چهارم؛ ما پول‌هایی داریم در خارج از کشور؛ مثلاً نفت فروخته‌ایم، پولش را به ما نداده‌اند. در قضیه برجام، بنا بر این شد که این پول‌ها برگردد - البته اکثرش برنگشته، اغلبیش برنگشته و دچار مشکل است؛ دست آمریکایی‌ها را انسان مشاهده می‌کند پشت این قضیه؛ البته انگیزه‌های دیگری هم وجود دارد، لکن بدجنSSI بعضی از دستگاه‌های آمریکایی موجب شده است که این پول‌ها برنگردد! لکن بالاخره برخواهد گشت - وقتی که این پول‌های موجود ما در خارج که حالا هر چند ده میلیاردی که هست برگشت، در مصارفی به کار نرود که این پول هدر بشود. این پولی است که وارد کشور می‌شود، کشور نیاز دارد و در درجه اوّل مثلاً تولید است؛ مواطن باشند این پولی که وارد می‌شود، هدر نرود،

از بين نرود، صرف خريدهای بیمورد، صرف کارهای بیجا، صرف اسرافها نشود؛ يعني مدیريت منابع مالي اي که از بانکها و مراکز خارجي به كشور وارد میشود.

## ۵- دانشبنيان شدن اقتصاد داخلی:

مسئله پنجم؛ بخش‌هایی در اقتصاد ما وجود دارد که مهم و دارای اهمیت است؛ مثلاً بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، برای هواپیما، برای قطار، برای کشتی مورد استفاده است، این بخش‌های حساس و مهم، دانشبنيان بشود. اينکه ما میگویيم: اقتصاد دانشبنيان! جوانهای ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که میتوانند نوآوري کنند، میتوانند ما را از آن سطحی که در فناوري داريم بالاتر ببرند. خب! اين کار کوچکی است که موشك بُرد بلند را جوری تنظيم کنند که در دوهزار کيلومتری با انحراف دو متر یا پنج متر به هدف بخورد؟! خب آن مغزی که میتواند اين کار را بكند، در موارد گوناگون ديگر هم میتواند؛ مثلاً فرض کنيد که سطح موتور خودرو را با يك پيشرفتی بالا بيرد که فرض کنيم مصرفش کم بشود، يا موتور

قطار را به فلان شکل به وجود بياورد؛ می توانند! همین الان در کشور ما بنگاههای اقتصادی و تولیدی‌ای وجود دارند که کارهایی که آنها انجام می‌دهند و تولید می‌کنند، یا از مشابه خارجی‌اش بهتر است یا برابر آنها است؛ همین الان داریم! خب اینها را باید تقویت کرد! پس بنابراین، دانش‌بنیان شدن بخش‌های مهم اقتصاد داخلی، یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام بگیرد.

## ۶- احیای قسمت‌های سرمایه‌گذاری شده:

ششم؛ ما در گذشته روی بعضی از بخش‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم؛ از آنها بهره‌برداری بشود و استفاده بشود. ما در زمینه نیروگاه‌سازی در کشور سرمایه‌گذاری خوبی کردیم؛ در زمینه پتروشیمی سرمایه‌گذاری خوبی کردیم. امروز کشور به نیروگاه احتیاج دارد، کشورهای دیگر هم به نیروگاه ارزانی که ما می‌سازیم، احتیاج دارند. ما دیگر نرویم از بیرون نیروگاه بخریم وارد کنیم! یا افرادی بیاوریم برای ما نیروگاه درست کنند! این قسمت‌هایی که سرمایه‌گذاری شده است، برایش تلاش شده است و

زحمت کشیده شده است، احياء بشود و از آنها استفاده بشود.

### ۷- انتقال فناوری در معاملات خارجی:

مطلوب هفتم؛ در همه معاملات خارجی‌ای که ما انجام می‌دهیم، انتقال فناوری را شرط کنیم. البته برادران ما در دولت به ما گفتند که ما این کار را کردیم و می‌کنیم؛ من تأکید می‌کنم و تکرار می‌کنم برای اینکه غفلت نشود. فرض کنید اگر یک وسیله‌ای را یا یک شیء تولیدی جدیدی را می‌خواهند بخرند، تولیدشده را نخرند، بلکه آن شیء را با فناوری مخصوص خودش تهیه کنند و بیاورند؛ فناوری را داخل کشور کنند. در قراردادها این را باید بشدّت مورد توجه قرار بدهند.

### ۸- مبارزه جدی با فساد:

مسئله هشتم؛ با فساد مبارزه جدی بشود، با ویژه‌خواری مبارزه جدی بشود، با قاچاق مبارزه جدی بشود؛ اينها دارد به اقتصاد کشور لطمہ می‌زنند و ضررش را مردم می‌برند! اگر ما در مقابل آن مجموعه‌ای که فرض بفرمایید با زدوبست‌هایی در زمینه مسائل اقتصادی ویژه‌خواری می‌کنند،

خودشان را از امتيازات و يزه برخوردار مى كنند و يا دچار فساد پولی و مالی و اقتصادي مى شوند، سهلانگاري كنيم، قطعاً كشور ضرر خواهد كرد؛ نباید سهلانگاري بشود! البتّه در مقام بيان و در روزنامه‌ها و جنجال و بخصوص با جهتگيري‌های سیاسي، حرف‌های قشنگ خوبی زده مى شود اما اينها فايده‌ای ندارد! حالا يك مجرم اقتصادي را مثلاً فرض كنيم دستگير كردن، روزنامه‌ها درباره‌اش بنويisند و عکس و تفصيلات و کارهایي مانند اينها را با اهداف جناحی و سیاسي بكنند، اينها فايده‌ای ندارد! دو صد گفته چون نيم كردار نيست! باید جلوی آن فسادي را كه امروز ممکن است پيش بيايد، بگيرند و مانع فساد بشوند. قالچاق همين جور است؛ مانع قالچاق بشوند. باید با قالچاق، بهمعنای واقعی کلمه مبارزه كنند!

## ۹- ارتقای بهره‌وري از انرژي :

مطلوب بعدی بهره‌وري از انرژي است . من يک وقتی هم اينجا در يکی از همين سخنرانی‌های

اوّل سال، چند سال قبل از این، این را گفتم (بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی (۱۳۸۸/۱/۱) که ادعا می‌شود و گفته می‌شود که اگر ما بتوانیم بهره‌وری انرژی را ارتقا بدھیم، بالا ببریم و صرفه‌جویی کنیم، صد میلیارد دلار صرفه‌جویی خواهد شد؛ مبلغ کمی نیست، مبلغ زیادی است؛ این را جلدی بگیرند! این همه کارهای گوناگون دارد در این مملکت انجام می‌گیرد، بعضی‌ها یاش غیر لازم، بعضی‌ها یاش مضر! خب کار را در این جور بخش‌ها متمرکز کنند. این شد «اقدام و عمل»؛ اقدام یعنی این چیزها - البته شنیدم این، مصوبه مجلس هم هست؛ ارتقای بهره‌برداری از انرژی، مصوبه مجلس شورای اسلامی است - واقعاً بررسی کنند که اگر چنانچه یک چنین چیزی وجود دارد، باید روی این متمرکز بشوند و کار کنند.

#### ۱۰- نگاه ویژه به صنایع متوسّط و کوچک:

به صنایع متوسّط و کوچک نگاه ویژه بکنند. الان چندین هزار کارگاه و کارخانه متوسّط و کوچک در کشور هست؛ اگر چنانچه این آماری که

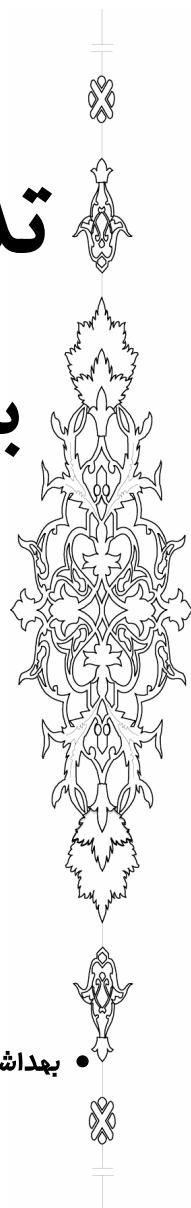
به من داده‌اند و بنده گفتم که شصت درصد از اينها الان دچار بيکاري و تعطيل هستند درست باشد، خسارت است! آن چيزی که در متن جامعه اشتغال ايجاد می‌کند، تحرک ايجاد می‌کند و طبقات پايان را بهره‌مند می‌کند، همین صنایع کوچک و متوسط است؛ اينها را تقويت کنند و پيش برندي!<sup>۵</sup>

### گزارش آثار اجرای

#### راهکارهای انقلابی اقتصاد مقاومتی

خب! اين ده نقطه کار که اگرچنانچه اقدام و عمل بخواهد انجام بگيرد برای اقتصاد مقاومتی، اين ده کار می‌تواند انجام بگيرد. البته کارهای ديگري هم می‌شود انجام داد که مسئولين نگاه می‌کنند و بررسی می‌کنند. بنده ده مورد را اين جوری پيشنهاد می‌کنم. اين می‌شود جريان انقلاب، اين می‌شود حرکت انقلابی در کشور، اين می‌شود اقتصاد مقاومتی‌اي که کشور را نجات خواهد داد. اگر اين کارها را بكنيم، ما می‌توانيم در مقابل آمريكا بایستیم و تحريم‌های او در ما اثر نکند. ما

احتیاج نداریم از ارزش‌های خودمان، از خطوط  
قرمز خودمان، از اصول خودمان صرف‌نظر کنیم تا  
آمریکا نتواند ما را تحریم بکند؛ ما با دنبال کردن  
همین سیاست اقتصاد مقاومتی، به معنای عملی  
مسئله و اقدام عملی موضوع، می‌توانیم کشور را  
مصونیت‌سازی کنیم؛ می‌توانیم مصونیت بدھیم  
کشور را تا دیگر در مقابل تحریم به خودمان  
نلرزیم که ما را تحریم خواهند کرد. خب تحریم  
بکند! اگر اقتصاد مقاومتی شد. تحریم دشمن تأثیر  
قابل توجّهی نخواهد کرد. این می‌شود حرکت  
انقلابی و حرکت مؤمنی. آنوقت اگر ما این کارها  
را کردیم، مسئولین محترم دولتی آخر سال ۹۵  
می‌توانند بیایند گزارش بدھند که ما این چند هزار  
کارگاه و کارخانه و مزرعه و دامداری و امثال اینها  
را احیاء کردیم. می‌توانند بیایند اینها را بگویند؛  
می‌توانند به مردم گزارش بدھند، مردم هم ببینند و  
حس کنند. وقتی مردم حس کردند، آنوقت اعتماد  
و اطمینان پیدا می‌کنند.<sup>۵</sup>



# تدابیر بهداشت و سلامت

• بهداشت و سلامت

## بهداشت و سلامت

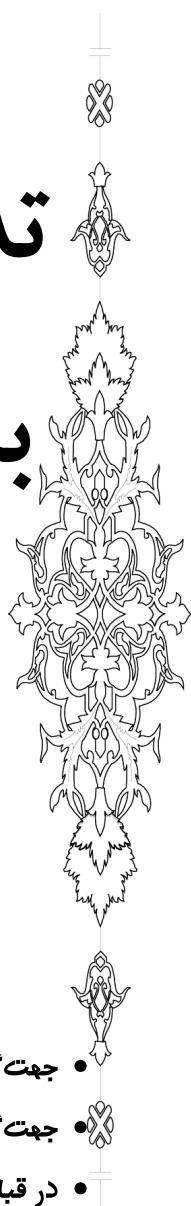
### لزوم حفاظت و حراست از جنگل‌ها

روز درخت کاری برای کشور یک روز با برکتی است؛ برای اينکه گیاه و درخت، مایه برکت زندگی بشر است؛ متنه ما باید قدر اينها را بدانیم؛ اينکه مثلاً بنده یک نهال اينجا غرس کنم و مثلاً چند هزار نهال غرس بشود، اما از آن طرف به جنگل‌های ما تهاجم بشود یا به باعث‌های قدیمی ما

تهاجم بشود، اين خلاف مصلحت است. من  
می‌شنوم گاهی اوقات که اين گونه‌های قدیمی  
بومی اصیل ایرانی که در جنگل‌های ما بوده،  
به تدریج دارد کم می‌شود؛ بیم این هست که بعضی  
از این گونه‌های اصیل ایرانی جنگل‌های ما اصلاً از  
بین بروند؛ لذاست که بایست حفاظت کرد،  
حراست کرد.<sup>۲</sup>

## وظيفه حفظ جنگل و مراتع

خب! اينکه مردم عادت کنند درخت بكارند،  
اين کار خيلي خوبی است. اما هم مردم و هم  
مسئوليین عادت کنند که اين فضای سبز را -  
بهخصوص جنگل‌ها را، بهخصوص مراتع را -  
انشاءالله حفظ کنند؛ اينها جزو وظایف ما است.  
البته حرف می‌زنند آقایان و غير آقایان، صحبت  
زياد می‌کنند، متنه حرف تنها کافی نیست، عمل  
لازم است و به جای زياد گفتن، باید زياد عمل  
كرد. اميدواريم انشاءالله خداوند همه‌تان را موفق  
بدارد.<sup>۲</sup>



# تدابیر برونمرزی

- جهت‌گیری در مصاف با استکبار
- جهت‌گیری در سیاست خارجی
- در قبال کشورهای همسایه

## جهت‌گیری در مصاف با استکبار

موج خطر تروریسم در اروپا

و حمایت آمریکا از داعش

تعدادی از کشورهای اروپایی از بعضی گروههای خشن تروریستی تا مدت‌ها حمایت می‌کردند و امروز موج خطرناک و فراگیر تروریزم به اروپا نیز رسیده است. ... اخبار مستند و دقیقی

از کمک‌های آمریکا به داعش و برخی گروه‌های تروریستی دیگر وجود دارد و همین حالا هم که ائتلاف ضد داعش تشکیل داده‌اند، برخی دستگاه‌های آمریکایی به‌شکل دیگری در حال کمک به داعش هستند. ... دستگاه‌های عظیم تبلیغاتی در دنیا که تحت سلطه سیاست‌مداران غربی هستند، به بهانه اقدامات عده‌ای شرور و تروریست، اسلام ستیزی به راه می‌اندازند و توطئه‌های پشت پرده سیاسی، کار را در مبارزه فرهنگی مشکل می‌کند.<sup>۱۰</sup>

## گسترش همکاری‌ها ایران و ویتنام

### و مقابله با دخالت استکبار

شجاعت و مقاومت ملت ویتنام و شخصیت‌های برجسته آن نظیر «هوشی مینه» و «ژنرال جیاپ» در مقابل تجاوز‌گری بیگانگان، موجب شده است که ملت شما در چشم ملت ایران، محترم و معتبر باشد و این تکریم و همدلی، زمینه بسیار مناسبی برای افزایش همکاری‌هاست.

... این دخالت‌ها گاه از طریق راه انداختن جنگ‌هایی همچون جنگ ویتنام و گاهی نیز با روش‌های دیگر انجام می‌شود، و راه مقابله با این دخالت‌ها، همکاری و نزدیک شدن کشورهای مستقل به یکدیگر است. ... ما از همکاری‌های شما در مجتمع جهانی نیز مطلع هستیم و معتقدیم تا جایی که امکان و ظرفیت وجود دارد، باید همکاری‌ها را گسترش داد.<sup>۱۲</sup>

## جهت‌گیری در سیاست خارجی

### سوابق ارتباط ایران و سوئیس

#### و افزایش همکاری‌ها

حجم مبادلات تجاری ایران و سوئیس کم و نامتوازن است و تجارت و سرمایه‌گذاران سوئیسی با آگاهی از ظرفیت‌های فراوان ایران می‌توانند این تراز را بهبود بخشنند. ... ما از گذشته سوئیس را به عنوان مرکز صلح، دوستی و همکاری می‌شناسیم البته برخی کشورهای اروپایی اینگونه نیستند و منافع شان در جنگ‌افروزی و ایجاد اختلاف است. ... این رفتار موجب ایجاد سابقه ذهنی منفی در مردم ما شد، اما چنین ذهنیتی در ایران نسبت به سوئیس وجود ندارد. ... مهم این است که در اثر همکاری‌های جدی و با عزم و اراده راسخ، این توافقات منجر به اقدامات عملی شود.<sup>۱</sup>

## استقبال ایران از ارتباط با ایتالیا

### و شیطنت آمریکا

نگاه ما در همکاری با ایتالیا و دولت شما،  
نگاهی متفاوت و مثبت است و امیدواریم این سفر  
نیز در جهت تقویت همین دیدگاه باشد. ...  
جمهوری اسلامی از پیشرفت روابط با ایتالیا در  
زمینه‌های مختلف بهویژه در بخش همکاری‌های  
اقتصادی استقبال می‌کند. ... بعضی دولت‌ها و  
شرکت‌های اروپایی در رفت‌وآمد به ایران و  
مذاکره هستند اما محصول این مذاکرات تاکنون  
محسوس نبوده است! ... عده‌ای تقصیر این مسئله  
را به گردن آمریکایی‌ها می‌اندازند که با توجه به  
سابقه و رفتار آنها این ارزیابی قابل قبول به نظر  
می‌رسد، همچنان که اکنون نیز در اجرای تعهدات  
خود در مذاکرات هسته‌ای آنچنان که باید، عمل  
نمی‌کنند و با اظهارات و اقداماتشان، طرف‌های  
مقابل را از همکاری با ایران می‌ترسانند.  
آمریکا در اجرای تعهدات خود در مذاکرات  
هسته‌ای آنچنان که باید، عمل نمی‌کند و طرف‌های

مقابل را از همکاری با ایران می‌ترساند. ... البته ما این نگاه مثبت را به برخی کشورهای اروپایی نداریم، زیرا نگاه آنها فقط به آمریکاست تا طبق دیکته او عمل کنند.<sup>۱۰</sup>

## در قبال کشورهای همسایه

### لزوم افزایش همکاری کشورهای

### اسلامی در مبارزه با تروریزم

کشورهای اسلامی امروز از سویی با خطر گروههای تروریستی که به نام اسلام و در واقع علیه اسلام و مسلمانان فعالیت می‌کنند، مواجه‌اند و از سوی دیگر برخی قدرت‌های غربی تمایل ندارند که کشورهای مسلمان، متحد و در کنار یکدیگر باشند. ... برخی قدرت‌ها به‌ویژه آمریکا در ادعای مبارزه با تروریزم صادق و جدی نیستند اما کشورهای اسلامی می‌توانند با همکاری‌های صادقانه، این تهدید را از جهان اسلام دور کنند. ... آنها برای توجیه برخوردهای دوگانه خود، تروریزم را به دو نوع خوب و بد تقسیم می‌کنند. ... این واقعیت‌ها نشان دهنده جدی نبودن غرب و به‌ویژه آمریکایی‌ها در مبارزه با تروریزم است.<sup>۹</sup>

## افزایش همکاری‌های ایران و قزاقستان

... ما با کشورهای مسلمان احساس برادری می‌کنیم و مواضع ایران و قزاقستان نیز در بسیاری از مسائل جهانی یکسان است. ... با وجود «دین، تاریخ و فرهنگ مشترک» و «ظرفیت‌های فراوان دو کشور»، روابط تجاری و اقتصادی در سطح نازلی قرار دارد و ما از افزایش همکاری‌ها در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، حمل و نقل و همچنین همکاری در موضوع رژیم حقوقی حوزه دریایی مشترک استقبال می‌کنیم.<sup>۹</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۴/۱۲/۰۸ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس جمهور سوئیس و هیات همراه
۲. ۹۴/۱۲/۱۸ بیانات پس از کاشت نهال در هفته منابع طبیعی
۳. ۹۴/۱۲/۲۰ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری
۴. ۹۵/۰۱/۰۱ پیام نوروزی به مناسب آغاز سال ۱۳۹۵
۵. ۹۵/۰۱/۰۱ بیانات در جمع زائران حرم رضوی در اولین روز سال ۱۳۹۵
۶. ۹۵/۱۱/۹۵ بیانات در دیدار جمعی از مددچان اهل بیت علیهم السلام به مناسب میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۷. ۹۵/۰۱/۱۸ بیانات در دیدار نوروزی جمعی از مستونلان کشور
۸. ۹۵/۰۱/۲۲ (گزارش خبری) بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح
۹. ۹۵/۰۱/۲۳ (گزارش خبری) بیانات دیدار رئیس جمهوری قرقستان و هیات همراه
۱۰. ۹۵/۰۱/۲۴ (گزارش خبری) بیانات در دیدار نخست وزیر ایتالیا و هیات همراه
۱۱. ۹۵/۰۱/۲۵ بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه قم
۱۲. ۹۵/۰۱/۲۵ بیانات در دیدار رئیس جمهوری ویتنام و هیات همراه